

الدَّرْسُ الرَّابِعُ

اهداف کلی

- ۱- آموختن ۲۷ کلمه جدید؛
- ۲- ترجمه یک آیه شریفه، یک حکمت از پیامبر اسلام ﷺ و سه سخن حکیمانه عربی معروف؛
- ۳- آشنایی با ترجمه جمله‌های دارای حروف استفهام «هل» و «أ» و جمله جواب آنها؛
- ۴- آشنایی با دو حرف استفهام «هل» و «أ» و نحوه پاسخگویی به آن.

اهداف رفتاری

- دانش آموز در پایان این درس باید بتواند :
- ۱- معنای ۲۷ کلمه جدید این درس را از عربی به فارسی بیان کند.
 - ۲- در پاسخ به جمله‌های پرسشی دارای «هل» و «أ» پاسخی کوتاه فقط در حد «نعم» یا «لا» بدهد.
 - ۳- در موقعیت صحیح از دو جمله پرسشی با «هل و أ» در مهارت سخن گفتن استفاده کند.
 - ۴- جمله‌های ساده دارای حرف استفهام «هل و أ» را به فارسی ترجمه کند.
 - ۵- به هنگام ضرورت به پنج جمله آغازین درس استشهاد کند.

تحلیل درس

زینت بخش شروع درس چهارم جملاتی است که به نام «جواهر الکلام» مزین شده است.

۱- ﴿هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ﴾

آیا سزای نیکی جز نیکی است؟! آیا پاداش خوبی کردن غیر از خوبی است؟!

۲- الْمُؤْمِنُ قَلِيلٌ الْكَلَامُ كَثِيرُ الْعَمَلِ. مؤمن، کم سخن و پرکار است.

۳- سُكُوتُ اللِّسَانِ سَلَامَةٌ الْإِنْسَانِ.

خاموشی زبان، تندرستی انسان است. سکوت زبان، سلامتی انسان است.

۴- رَبُّ كَلَامٍ جَوَابُهُ السُّكُوتُ.

چه بسا سخنی که پاسخ آن خاموشی باشد. چه بسا حرفی که جوابش سکوت است.

۵- الْوَقْتُ مِنَ الذَّهَبِ. (الْوَقْتُ مِنْ ذَهَبٍ.)، (الْوَقْتُ مِنْ ذَهَبٍ إِنَّ لَمْ تُدْرِكْهُ ذَهَبٌ.)

وقت، طلاست. وقت از طلاست. وقت طلاست اگر آن را به دست نیآوری، از دست می‌رود.

در این درس نیز همانند دروس قبلی ابتدا سخنانی زرین شروع درس را تشکیل می‌دهد؛ سپس با طرح جملات ساده‌ای هدف آموزشی درس طی جملاتی آموزش داده می‌شود.

هشت پرسش و پاسخ تنظیم شده است تا دانش‌آموز بتواند مهارت نسبی را در فهم جمله‌های پرسشی با «هل» و «أ» کسب کند. پاسخ چهار جمله مثبت و چهار تا منفی است.

بدانیم

با مطالعه هشت مثال پیشین عملاً آموزش دو حرف استفهام «هل» و «أ» انجام شده است.

آموزش این دو حرف تحت عنوان «بدانیم» فقط رسمیت دادن به آموزش آن است.

فَنِّ ترجمه

در فن ترجمه درس چنین آمده است :

ترجمه دو جمله صفحه روبه‌رو تفاوت اندکی با هم دارند. آیا می‌توانید این تفاوت را توضیح

دهید؟

هذا الْوَلَدُ، نَاجِحٌ. این پسر، موفق است.
هذا، وَلَدٌ نَاجِحٌ. این، پسری موفق است.

برای پاسخ به این سؤال باید از روش اکتشافی استفاده کرد. دانش آموز با مطالعه مطلب فوق در می یابد که در ترجمه «هذا الولد» باید بگوید «این پسر»؛ زیرا بعد از هذا اسم دارای ال آمده است؛ اما در جمله «هذا، وَلَدٌ نَاجِحٌ.» بعد از هذا اسم دارای ال نیامده است؛ لذا ترجمه اش این است: «این، پسری موفق است.»



در تمرین اوّل از دانش آموز خواسته شده است که در یک کلمه به جمله های پرسشی پاسخ داده شود. چنانچه دانش آموز در آزمون های شفاهی و کتبی نیز به همین گونه جواب داد؛ نمره کامل می گیرد. اما می توان پاسخ کامل را نیز نوشت تا تمرین تقویت گردد.
تمرین دوم تقویت مهارت قرائت و ترجمه است.
تمرین سوم تقویت شناخت معنای کلمه است.
تمرین چهارم جدول کلمات متقاطع است که دارای رمز «الصلاة عمود الدين» می باشد.^۱
کلمات درس های قبلی برای یادآوری در این جدول مورد سؤال واقع شده اند.
تمرین پنجم فعالیت عملی و گروهی است.
دانش آموزان علاوه بر یافتن مثال برای ضرب المثل در جست و جوی مشابه این سخن در فارسی بر می آیند.

اندازه نگه دار که اندازه نکوست هم لایق دشمن است و هم لایق دوست

۱- عن أبي جعفر (عليه السلام) قال: الصلاة عمود الدين، مثلها كمثل عمود القسطاط إذا ثبت العمود ثبتت أوتاد الأطناب، وإذا مال العمود وانكسر لم يثبت وتد ولا طناب.

امام باقر علیه السلام فرمود: نماز ستون دین است، مثل آن همانند ستون خیمه است که وقتی استوار باشند میخ ها و طناب ها پا برجاست، و هرگاه ستون آن کج و شکسته شود هیچ کدام از آنها استوار نمی مانند. (بحار، ج ۸۲، ص ۲۱۸)



دانش‌افزایی برای دبیر (نه برای دانش‌آموز)

- ۱- فرق «هَلْ» و «أَلَا» در کتاب تدریس نشده است؛ زیرا دانستن آن، ضرورت ندارد.
 فرق هَلْ با أَلَا :
 الف) هَلْ در جمله دارای فعل منفی نمی‌آید.
 مثلاً سؤال نمی‌شود : هَلْ لَا تَسْمَعُ؟ یا هَلْ مَا سَمِعْتَ؟ بلکه سؤال می‌شود :
 أَلَا تَسْمَعُ؟ یا أَمَا سَمِعْتَ؟
 اما حرف استفهام «أَلَا» بر سر فعل مثبت و منفی هر دو می‌آید. أَلَا جَاءَ الْمَعْلَمُ؟ أَمَا جَاءَ الْمَعْلَمُ؟
- ۲- «جَاءَ» و «أَتَى» هر دو مترادف هستند. (جَاءَ - يَجِيءُ - مَجِيئاً) ؛ (أَتَى - يَأْتِي - إتياناً)
 فعل امر از «جَاءَ يَجِيءُ» به صورت «جِئْ» کاربرد محاوره ندارد؛ بلکه «تَعَالَ» به معنای «بیا» است.
- ضمناً «جَاءَ يَ» و «أَتَى يَ» به معنای «آورد» است؛ مثال : جِئْ بِالْكِتَابِ. کتاب را بیاور.
- ۳- «جَزَاءً» از اضداد است دو معنای کیفر و پاداش هر دو را دارد.
- ۴- «جُلُوس» مصدر ثلاثی مجرد از «جَلَسَ» است و در برابر آن «قَامَ» قرار دارد. «قَعَدَ» و «جَلَسَ» مترادف‌اند.
- ۵- «جُنْدِي» برگرفته از واژه فارسی «گندی» است.
- ۶- «رُفْءَان» اسم جنس به معنای «انار» است و واحد آن «رُفْءَانَةٌ» و جمع آن «رُفْءَانَات». (ضمناً
 رُفْءَانَةٌ به معنای نارنجک نیز هست.)
- ۷- «سَائِق» راننده است که در عربستان «سَوَاق» نیز گفته می‌شود.

۸- همزة «امرئ» هنگام معرفه شدن به ال واجب است حذف شود. (المرء)

۹- «حَقِیْبَة» سه معنا دارد: کیف، ساک و چمدان. در گویش عامیانه عربی «سَنْطَة، سَنْتَة، جَنْطَة» گفته می‌شود که همان «چَنته» در فارسی است. در کتاب‌های درسی پیشین کلمه «مَحْفَظَة» می‌آمد؛ ولی امروزه در عربی کاربرد حَقِیْبَة بیشتر است؛ مثلاً حَقِیْبَة الظَّهْر: کوله پشتی، حَقِیْبَة مَدْرَسِیَّة: کیف مدرسه، حَقَائِبُ الزُّوَار: چمدان‌های زائران. اما «مَحْفَظَة» کیف پول است که «جُرْدان» نیز گفته می‌شود.

۱۰- «رُبَّ» به معنای «چه بسا» حرف جرّ است و فقط بر سر نکره می‌آید؛ اما اگر با «ما» بیاید و «رُبَّمَا» شود؛ بر سر معرفه نیز می‌آید؛ مانند: «رُبَّمَا مِثْمٌ وَقِفٌ».

و در آیه ﴿رُبَّمَا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ كَانُوا مُسْلِمِينَ﴾ «سورة الحجر، آیه ۲» به تخفیف باء آمده است.

۱۱- «قَرِیْبَة» به معنای روستا جمع آن «قُرَى» است و مترادف با «رِیف» است که جمع آن «أَرِیَاف» است.

۱۲- «لِسان» دو معنا دارد: یکی «زبان» مانند «زبان عربی» و یکی «زبان» یعنی همان «عضو گوشتی درون دهان».^۱

۱۳- این کلمات همه به معنای «بله» هستند: نَعَمْ، بَلَى، إِي، أَجَل.

در گویش حجازی «أَيَّوه» گفته می‌شود که مخفف «إِي وَالله» است.

۱- امروزه به جای «اللِّسَانُ الْفَارِسِيّ» گفته می‌شود «اللُّغَةُ الْفَارِسِيَّةُ». کلمه «لُغَة» از ریشه یونان ogo گرفته شده است که در کلماتی مانند مونولوگ و دیالوگ نیز به کار می‌رود. (مونو یعنی یک و دیا یعنی دو) کلمات فیلسوف، جُغرافی، موسیقی نیز ریشه در زبان لاتین دارند. (فیلسوفیا، ژئوگرافی، موزیکا)

الدَّرْسُ الْخَامِسُ

اهداف کلی

- ۱- آموختن ۲۷ کلمه جدید؛
- ۲- ترجمه سه حکمت از پیامبر اسلام ﷺ و دو سخن حکیمانه معروف عربی؛
- ۳- آشنایی با ترجمه جمله‌های دارای اسم استفهام «مَنْ» و نحوه پاسخگویی به آنها.

اهداف رفتاری

- دانش‌آموز در پایان این درس باید بتواند :
- ۱- معنای ۲۷ واژه جدید این درس را از عربی به فارسی ذکر کند.
 - ۲- مفهوم جمله‌های پرسشی دارای اسم استفهام «مَنْ» را تشخیص دهد.
 - ۳- به جمله‌های پرسشی مانند : «مَنْ هُوَ؟»؛ «مَنْ هِيَ؟»؛ «مَنْ أَنْتَ؟» و «مَنْ أَنْتِ؟» پاسخی کوتاه

دهد.

- ۴- معنا و کاربرد «لِمَنْ» را تشخیص دهد.
- ۵- به هنگام ضرورت به حکمت‌های خوانده شده استشهاد کند.

تحلیل درس

پنج حدیث این درس «أَنَوَارُ الْحِكَمِ» نامیده شده و به راستی که هر یک نوری از حکمت است.

۱- أَلَوْحَدَةُ خَيْرٌ مِنْ جَلِيسِ السُّوءِ.

تنهایی (تنها بودن) از همنشین بد بهتر است.

۲- إِنَّ حُسْنَ الْوَعْدِ مِنَ الْإِيمَانِ.

خوش پیمانی از ایمان است. خوش قولی نشانه ایمان است.

۳- حُبُّ الْوَطَنِ مِنَ الْإِيمَانِ.

دوست داشتن میهن از ایمان است. عشق به وطن نشانه ایمان است.

۴- الْعَجَلَةُ مِنَ الشَّيْطَانِ.

عجله از شیطان است.

۵- رَبِّ كَلَامٍ كَالْحُسَامِ^۱.

چه بسا سخنی مانند شمشیر باشد. (است)

در ادامه جملات حکیمانه، چند جمله برای تفهیم اسم استفهام «مَنْ» و با استفاده از چهره بزرگان کشور آمده است.

این جملات دو منظوره می باشد. منظور اصلی که بی تردید آموزش اسم استفهام است. اما در کنار آن، معرفی بزرگان و نام آوران موجب زیبایی دوچندان کتاب درسی می گردد.

بدانیم

از آنجا که آموزش اسم استفهام عملاً با مثال های متنوعی انجام شده است؛ در این قسمت به صورت کوتاه و مختصر به آن اشاره شده است.

۱- حکمت اول تا سوم از پیامبر اسلام (ﷺ) و حکمت چهارم و پنجم از امثال معروف عربی و منسوب به حضرت

علی (علیه السلام) نیز هستند.

کاربرد «مَنْ هُوَ؟» و «مَنْ هِيَ؟» در کنار «مَنْ أَنْتَ؟» و «مَنْ أَنْتِ؟» و «لِمَنْ؟» با ذکر چند مثال موجب تکمیل بحث اسم استفهام «مَنْ؟» می گردد.

کلمه پرسشی «مَنْ؟» در مکالمه نقش مهمی دارد. بجاست دبیر گرامی تمرینات شفاهی در این زمینه انجام دهد.

از چند دانش آموز بپرسد: «مَنْ أَنْتَ؟» یا «مَنْ أَنْتِ؟» و از دو دانش آموز بخواهد که این دو جمله را با هم مکالمه کنند.

اما در باره «لِمَنْ؟» از آنجا که هنوز ضمائر متصل تدریس نشده است، فرصت مناسبی برای این کار نیست و در جای خود این تمرین شایسته است.



تمرین اول: تقویت تفهیم اسم استفهام «مَنْ». در کنار تبلیغ فرهنگی معرفی بزرگان. برای سادگی کار، سؤال دوگزینه‌ای طراحی شده است.^۱

۱- تصویر دوم درباره کتاب دا است. دا نام کتاب روایت خاطرات سیده زهرا حسینی است که درباره جنگ ایران و عراق و به کوشش سیده اعظم حسینی نوشته شده و انتشارات سوره مهر آن را چاپ کرده است. ایشان اهل روستای بردی بهله در استان ایلام است. این کتاب خاطرات دوره جنگ را بسیار زیبا ترسیم کرده است. این کتاب در سال ۱۳۸۷ منتشر شد و تاکنون به سه زبان انگلیسی، اردو و ترکی استانبولی ترجمه شده است.

دا، در زبان‌های کردی، لکی و لری به معنای مادر است و زهرا حسینی با برگزیدن این نام تلاش کرده تا به موضوع پایداری مادران ایرانی در طول دفاع مقدس بپردازد. این کتاب با هفتاد چاپ در کمتر از ۶ ماه رکورد تازه‌ای را در زمینه نشر کتاب در ایران ثبت کرد. همچنین در کمتر از ۶ ماه بیش از پنجاه هزار نسخه از کتاب به فروش رفت. در بیست و چهارمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران این کتاب به چاپ یکصد و سی و هفتم رسید. کتاب، خاطرات دو شهر بصره و خرمشهر است و سال‌های محاصره خرمشهر توسط نیروهای عراقی بخش اصلی کتاب را تشکیل می‌دهد. حسینی در آن زمان دختر هفده ساله‌ای بوده و گوشه‌ای از تاریخ جنگ را بازگو می‌کند که غالباً به اشغال و فتح خرمشهر مربوط است. تصویر سوم مربوط به «حکیم عمر حیات نیشابوری» است. او زاده ۲۸ اردیبهشت ۱۳۲۷ خورشیدی در نیشابور است. فیلسوف، ریاضی‌دان، ستادشناس و رباعی‌سرای ایرانی در دوره سلجوقی است. آوازه وی بیشتر به واسطه نگارش رباعیاش است که شهرت جهانی دارد. افزون بر آنکه رباعیات خیام را به اغلب زبان‌های زنده ترجمه نموده‌اند، ادوارد فیتزجرالد رباعیات او را به زبان انگلیسی ترجمه کرده است که مایه شهرت بیشتر وی در غرب زمین گردیده است.

یکی از برجسته‌ترین کارهای وی را می‌توان اصلاح گاه شماری ایران در زمان وزارت خواجه نظام‌الملک، که در دوره سلطنت ملک‌شاه سلجوقی (۴۲۶ - ۴۹۰ هجری قمری) بود، دانست. وی در ریاضیات، علوم ادبی، دینی و تاریخی استاد بود.

تصویر چهارم تصویر بانوی ورزشکار ایرانی خدیجه آزادپور که توانست نام خودش را به عنوان اولین دارنده طلای بانوان در تاریخ بازی‌های آسیایی ثبت کند. در سال ۲۰۰۹ نخستین بار بود که یک ورزشکار زن به مدال طلا دست یافت.

تصویر دیگر مربوط به مولوی شاعر گرانقدر ایرانی است. جلال‌الدین محمد بلخی معروف به مولوی زاده ۶۰۴، بلخ است. از معروف‌ترین شاعران ایرانی است که شهرت جهانی دارد و مثنوی او از پر فروش‌ترین کتاب‌های جهان است. آرامگاه او در شهر قونیه ترکیه است.

تمرین دوم و سوم : ترجمهٔ جملات دارای اسم استفهام از عربی به فارسی با همان هدفی که در تمرین نخست وجود دارد. دلیل تغییر شکل تمرین فقط رعایت تنوع است و گرنه هدف در هر دو تمرین یکی است.

تمرین سوم و چهارم : تقویت مهارت مکالمه و پاسخگویی به سؤال‌های دارای کلمهٔ پرسشی «مَنْ» است.

در تمرین اول، سوم و چهارم ترجمهٔ عبارات لازم است. همچنین در تمرین سوم باید دلیل اینکه چرا گزینهٔ اول یا دوم درست است ذکر شود. حجم تمرین کم است تا دبیر فرصت لازم را برای بررسی داشته باشد.

تمرین پنجم : یک کار پژوهشی است. کاربرد ضرب المثل «رُبَّ كَلَامٍ كَالْحُسَامِ» در تاریخ، ارتباطی بین درس عربی و تاریخ است.

همچنین این تحقیق در بخش دوم با درس ادبیات ارتباط برقرار می‌کند.

دانش‌افزایی برای دبیر (نه برای دانش‌آموز)

۱- أَخ : به معنای «برادر» است و به معنای «دوست» نیز می‌آید.
گاهی به معنای «همانند» است. «هَذَا أَخُو هَذَا.» یعنی «این همانند این است.» جمع آن «إِخْوَةٌ و إِخْوَانٌ» است.

۲- أَنْتَ : تَلَفُّظ آن شبیه «أَنْتِ» است.

۳- جَوَالَ : به معنای تلفن همراه است. مَحْمُول و خِلَیَوِی نیز گفته می‌شود. جمع آن جَوَالَات است.

۴- حُبَّ : مصدر از فعل حَبَّ - يَحُبُّ. (دوست شد) حَبُّهُ : او را دوست داشت. يَحُبُّ کاربرد ندارد و يُحِبُّ به کار می‌رود.

۵- سَمَاء : به معنای آسمان، مؤنث و جمع آن سَمَاوَات است. اما اگر به معنی «سقف» باشد؛ مذکر می‌شود.

در قرآن به دو صورت مذکر و مؤنث آمده است. ﴿السَّمَاءُ مُنْفَطِرٌ بِهِ﴾ مزمل ۱۸ ؛ ﴿إِذَا السَّمَاءُ انْفَطَرَتْ﴾ انفطار ۱

کلمهٔ سُمَيَّة که اسم دختر است؛ مصغَر سَمَاء و به معنای آسمان کوچک است.

۶- سَيِّد : جمع آن «سَادَة» و جمع الجمع آن «سادات» است. اما «سَيِّدَة» خانم است و جمع آن «سَيِّدَات» می باشد.

۷- صَدِيق : به معنای «دوست» است. اما «حَبِيب» به معنای دوست از جنبه عاطفی است.

۸- لِمَنْ : معادل واژه whose در انگلیسی است و برای پرسش از مالکیت است.

در محاوره عربستان سعودی امروزه به جای آن «حَق مِیْن» گفته می شود.

۹- مَنْ : اسم استفهام به معنای «چه کسی» یا «چه کسانی» است که گاهی اسم موصول و به معنای «کسی که» می آید یا از ادوات شرط می شود و به معنای «هر کس» می شود. بعد از آن مفرد مذکر می آید؛ مثلاً هنگامی که کسی در می زند و نمی دانیم مذکر است یا مؤنث؛ سؤال می شود : «مَنْ هُو؟» یا «مَنْ يَطْرُقُ الباب؟»

در گویش حجازی «مَنْ» را «مِین» تلفظ می کنند؛ مثلاً در مکالمه تلفنی آن کس که گوشی تلفن را بر می دارد خطاب به فرد پشت خط می گوید : «مِین مَعَاي؟» یعنی : «چه کسی با من است؟» (مَنْ يَكَلِّمُ مَعِي؟)

۱۰- «هُوَ» و «هِيَ» فقط برای انسان نیست و برای شیء نیز به کار می رود.

۱۱- «حُسام» در فارسی به کسر ح و «حِسام» خوانده می شود و به معنای شمشیر است. سیف، صاَرِم، صُمصام نیز معنای شمشیر دارند؛ البته سیَف معروف تر از بقیه است.

۱۲- اُسْتَاذ مُعَرَّب یعنی عربی شده استاد است. برخی استاد را از ریشه اِستاد می دانند؛ زیرا در کلاس در برابر شاگردان می ایستد.

همان طور که اِستِواء را اُسْتُوا تلفظ کرده اند؛ اِستاد را اُسْتاد خوانده اند. جمع استاد در فارسی اساتید و در عربی اَسَاتِدَة است.

الدَّرْسُ السَّادِسُ

اهداف کلی

- ۱- آموختن ۲۳ کلمه جدید؛
- ۲- ترجمه دو حکمت از پیامبر اسلام ﷺ و سه سخن حکیمانه معروف عربی؛
- ۳- آشنایی با ترجمه جمله‌های دارای اسم استفهام «ما» و نحوه پاسخگویی به آنها.

اهداف رفتاری

- دانش آموز در پایان این درس باید بتواند :
- ۱- معنای ۲۳ کلمه جدید این درس را از عربی به فارسی بیان کند.
 - ۲- مفهوم جمله‌های پرسشی دارای اسم استفهام «ما» را تشخیص دهد.
 - ۳- به جمله‌های پرسشی دارای «ما هو؟» ؛ «ما هي؟» ؛ «ماذا؟» پاسخی کوتاه دهد.
 - ۴- به هنگام ضرورت به احادیث خوانده شده استشهاد کند.

تحلیل درس

پنج حکمت و ضرب المثل این درس «كَنْزُ النَّصِيحَةِ» نامیده شده است.

۱- أَفْضَلُ النَّاسِ أَنْفَعُهُمْ لِلنَّاسِ.

بهترین مردم، سودمندترین آنها برای مردم است.

برترین مردم، پرمفعت‌ترینشان برای مردم است.

۲- الْخَيْرُ كَثِيرٌ وَفَاعِلُهُ قَلِيلٌ.

خیر، بسیار است و انجام دهنده آن کم است. خیر، زیاد است و انجام دهنده اش اندک است.

۳- الْإِنْسَانُ عَبْدُ الْإِحْسَانِ.

انسان، بنده نیکی کردن است.

۴- بِلَاءُ الْإِنْسَانِ فِي لِسَانِهِ.

بلای انسان در زبانش است.

۵- سَلَامَةُ الْعَيْشِ فِي الْمُدَارَةِ^۱.

سلامت زندگی در مدارا کردن است.

در ادامه کُز النَّصِيحَةِ چهار جمله پرسشی دارای «ما» به صورت سؤال و جواب آمده است؛ تا دانش آموز با چگونگی پرسش و پاسخ در این زمینه آشنا شود. او باید بتواند این مهارت شفاهی را به دست آورد که درباره چستی شیئی سؤال کند یا به سؤال از چستی شیئی پاسخی کوتاه دهد.

اهمیت قوانین راهنمایی و رانندگی بر کسی پوشیده نیست؛ لذا در کتاب درسی در چند مورد به این موضوع پرداخته شده است. هر سال افراد بسیاری در راه‌های کشور کشته و زخمی می‌شوند. توجه دادن دانش آموز به این موضوع هرچند گذرا و کوتاه وظیفه‌ای میهنی است. نویسندگان کتاب درسی مایل بودند متنی به این موضوع اختصاص دهند؛ اما در عربی سال اول نظر به اینکه دانش آموز در آغاز راه است و هنوز با بسیاری از ساختارهای زبانی و واژه‌ها آشنا نیست؛ لذا این کار علی رغم میل مؤلفان انجام نشد و در همین حد بسنده شد.

لازم است معلّم بداند تفسیر این دو علامت راهنمایی و رانندگی در زبان عربی در اصل این گونه است:

ممنوع الدوران إلى اليمين . ممنوع الدوران إلى اليسار.

یعنی کلمه ممنوع جلوتر می‌آید؛ اما در کتاب درسی به صورت مبتدا و خبر آمده است.

۱- حکمت اول و دوم از پیامبر اسلام ﷺ و بقیه حکمت‌های معروف عربی است.

بدانیم

هرچند هفت مثال برای تفهیم کلمه پرسشی «ما» در ادامه کُز النصیحة آمده بود؛ اما لازم است که رسماً در این قسمت از درس درباره آن توضیح داده شود.

لازم نیست که معلّم درباره «ماذا» موشکافی کند و وارد جزئیات گردد. همین که دانش‌آموز دریابد معنای ماذا چیست؛ کافی است؛ اما در مورد «ما هو» و «ما هی» وضعیّت کمی فرق دارد و باید مذکّر و مؤنث بودن آنها را تشخیص دهد، ولی لازم نیست در به کارگیری زبان و در مهارت شفاهی دقیقاً آن را درست به کار بگیرد؛ زیرا در سال اوّل چنین چیزی هدف نیست. هدف آموزشی تشخیص دادن است نه ساختن جمله.

فَنّ ترجمه

لازم است دانش‌آموز بداند استعمال کلمات «هو» و «هی» در «ما هو» و «ما هی» ضرورت ندارد و کلمه پرسشی بدون وجود «هو» و «هی» نیز رسا است. «ما هو» و «ما هی» بیشتر در عربی امروزی کاربرد دارد و فرقی بین «ما هو اسمُک؟» و «ما اسمُک؟» نیست؛ جزاینکه در اوّلی نوعی تأکید وجود دارد.

التّمارینُ

در تمرین اوّل کاربرد کلمه پرسشی «ما» در قالب شش تمرین متنوّع بررسی شده است. لازم نیست که حتماً پاسخ کامل داده شود. در پاسخ با «ما هذا؟» همین که دانش‌آموز جواب دهد «عمود» کافی است؛ هرچند پاسخ به صورت «هذا عمودٌ» نیز خوب و پسندیده است؛ اما حقیقت این است که در مکالمه پاسخ کوتاه مدّ نظر است.

در تمرین دوم دانش‌آموز با ترجمه جمله‌های پرسشی و پاسخ آنها آشنا می‌شود.

در تمرین سوم تمام کلمات متضادی را که تاکنون خوانده است یکجا ملاحظه می‌کند. برای تسهیل آموزش کلمات متضاد در گوشه‌ای آمده است و انتظار می‌رود در امتحانات نیز همین روش انجام گیرد تا آموزش و ارزشیابی تسهیل شود و شیوه‌ای جزاین مردود است؛ یعنی نباید معلّم از

دانش‌آموز بخواهد کلمه متضاد را از حافظه خودش استخراج کند؛ مثلاً چنین سؤالی مورد تأیید نیست. متضاد این کلمات را بنویسید : صَعْب # غَالِيَة #

تمرین چهارم : هدف آموزشی یافتن مؤنث چند کلمه است که این بار نیز مانند تمرین قبلی، پاسخ‌ها در برابر چشم دانش‌آموز قرار گرفته است تا او در پاسخ دادن با مشکل مواجه نگردد. در حقیقت این تمرین‌ها بر اساس دانش‌آموزی متوسط تنظیم شده است و دانش‌آموز بسیار قوی مدّ نظر نیست. این تمرین در نوع خود تمرین بسیار مناسبی برای یادگیری مذکر و مؤنث است که در مناسب‌ترین جا از کتاب آمده است.

تمرین پنجم : هدف تقویت مهارت کاربرد واژگان است. از آنجا که هدف تسهیل آموزشی و ارزشیابی است؛ لذا سؤال، دو گزینه‌ای طرح شده است.

تمرین ششم : فعالیت پژوهشی در معادل‌یابی یک ضرب المثل عربی است.

زبان سرخ سر سبز می‌دهد برباد بهوش باش که سر در سر زبان نکنی

زبان بریده به کنجی نشسته صُمُّ بکم به از کسی که نباشد زبانش اندر حکم

(سعدی شیرازی)

جانست و زبانت زبان دشمن جان گر جانت به کار است نگه‌دار زبان

گر به خرد گنج نهان داده‌اند لیک کلیدش به زبان داده‌اند

(امیرخسرو دهلوی)

به گفتار اگر دُر فشانده کسی خموشی به بسیار از آن بهتر است

(سعدی شیرازی)

بهایم خموشند و گویا بشر زبان بسته بهتر که گویا به شر

(سعدی شیرازی)

چو مردم سخن گفت باید بهوش وگر نه شدن چون بهایم خموش

به نطقست و عقل آدمی زاده فاش چو طوطی سخنگوی نادان مباحث

(سعدی شیرازی)

دانش‌افزایی برای دبیر (نه برای دانش‌آموز)

- ۱- أُمٌ : به معنای مادر و جمع آن أُمّهات و أُمّات است.
﴿وَإِذْ أَنْتُمْ أَجْنَةٌ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ﴾ ؛ (نجم ۳۲)
و آنگاه که شما جنین‌هایی در شکم‌های مادرانتان بودید.
«أُمّات» برای حیوانات به کار می‌رود.
- ۲- دَوْران : مصدر از فعل دارَ (چرخید)، يَدَوْرٌ، دَوْرًا و دَوْرانًا است.
- ۳- عَبَدَ : به معنای بنده و برده است. چند جمع مکسر دارد : عِبَاد، عُبُد، أَعْبُد؛ اما عِبَاد از همه معروف‌تر است.
- ۴- عَيْشٌ : مصدر از فعل عاشَ (زندگی کرد)، يَعْيشُ، عَيْشًا، مَعِيشَةً، مَعاشًا و عِيشَةً است.
در گویش مصری به معنای نان (خُبْز) نیز می‌آید.
- ۵- مُدَارَة : در فارسی حرفه از انتهای آن حذف شده است. مانند «مُدَاوَة» که آن نیز مداوا شده است.
(داری، يُداری، مُدَارَة)
- ۶- مِنْصَدَة : امروزه واژه «طاولَة» نیز به جای آن به کار می‌رود که معرّب ایتالیایی است. جمع آن «مَنَاصِد» است.
- ۷- يَسَارٌ : با کلمه «شِمال» مترادف است. در قرآن کریم «أَصْحَابِ يَمِينٍ» در برابر «أَصْحَابِ شِمال» آمده است. گاهی «أَيْسَر» و «يُسْرَى» نیز به کار می‌رود.
- ۸- يَمِينٌ : به معنای «راست» است و به صورت‌های «أَيْمَن» و «يُمْنَى» نیز به کار رفته است.
جالب است بدانید «بِیامین» یک اسم عبری است مرکب از «بَن : پسر یامین : راست»؛ یعنی : پسری که همچون دست راست پدرش است.
- ۹- «نِساء» جمع است که مفرد از جنس خودش ندارد. «إِمرأة» نیز مفردی است که جمع از جنس خودش ندارد.
دو کلمه نِسوة و نِسوان نیز به معنای «زنان» هستند.
- ۱۰- «أَفْضَلُ» در صورتی که با «مِنْ» بیاید به معنای «بهتر» است. أَنْتَ أَفْضَلُ مِنْهُ. تو از او بهتر هستی.
اگر دو طرف مقایسه مؤنث باشند باز هم وزن أفعَل به کار می‌رود، نه فَعْلَى؛ مثال :
فاطمةُ أَفْضَلُ مِنْ زهراءَ.

الدَّرْسُ السَّابِعُ

اهداف کلی

- ۱- آموختن ۲۰ کلمه جدید؛
- ۲- ترجمه چهار حکمت از پیامبر اسلام ﷺ و یک حکمت از حضرت علی (علیه السلام)؛
- ۳- آشنایی با ترجمه جمله‌های دارای اسم استفهام «أین» و نحوه پاسخگویی به آنها؛
- ۴- آشنایی با ترجمه جمله‌های دارای استفهام «مَنْ أین» و نحوه پاسخگویی به آنها؛

اهداف رفتاری

- دانش آموز در پایان این درس باید بتواند :
- ۱- معنای ۲۰ کلمه جدید این درس را از عربی به فارسی بیان کند.
 - ۲- مفهوم جمله‌های پرسشی دارای اسم استفهام «أین» را تشخیص دهد.
 - ۳- به جمله‌های پرسشی دارای «أین» پاسخی کوتاه دهد.
 - ۴- در پاسخ به جملاتی که در آنها «مَنْ أین» به کار رفته است پاسخی مناسب دهد.
 - ۵- به هنگام ضرورت به حکمت‌های خوانده شده استشهاد کند.

تحلیل درس

پنج حکمت این درس «الْحِكْمُ النَّافِعَةُ» نامیده شده و به راستی که هر یک حکمتی سودآور است.

۱- الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ.

کارها به نیت‌هاست. اعمال، بسته به نیت‌ها است. کارها به نیت‌ها بستگی دارد. (اصل این حدیث إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ است. به معنای کارها فقط به نیت‌هاست.)

۲- عَلَيْكَ بِمُدَارَاةِ النَّاسِ.

بر تو لازم است که با مردم مدارا کنی. باید با مردم مدارا کنی.

۳- حُسْنُ الْخُلُقِ نِصْفُ الدِّينِ.

خوش اخلاقی نیمی از دین است.

۴- الْجَنَّةُ تَحْتَ أَقْدَامِ الْأُمَّهَاتِ.

بهشت زیر پای مادران است.

۵- يَدُ اللَّهِ مَعَ الْجَمَاعَةِ^۱.

دست خدا با جماعت است. دست خدا با گروه است.

(به صورت يَدُ اللَّهِ عَلَى الْجَمَاعَةِ. نیز به کار رفته است.)

بعد از پنج جمله «الْحِكْمُ النَّافِعَةُ» تعداد نه جمله پرسشی در ارتباط با «أَيْنَ» آمده است که در پاسخ به هر کدام از آنها یکی از جهت‌ها به کار رفته است. در اینجا دانش آموز همانند ترجمه حکمت‌ها عمل می‌کند باید بخواند و ترجمه کند. جملات احادیث، ارزشی و دارای بار معنایی‌اند. اما در بخش دوم جملات دارای بار آموزشی‌اند و هدف پرورش مهارت‌های چهارگانه زبانی خواندن، شنیدن، گفتن و نوشتن است. در یکی از عبارات‌ها نام خلیج فارس به صورت الخلیج الفارسی آمده است تا دانش آموز با تلفظ عربی نام «خلیج فارس» آشنا شود. جمله‌های طراح شده در این قسمت از درس، دانش آموز را علاوه بر آشنایی با کلمه پرسشی «أَيْنَ» با کلماتی مانند: فَوْقَ، تَحْتَ، أَمَامَ، خَلْفَ (وَرَاءَ)، جَنْبَ، عِنْدَ، حَوْلَ، بَيْنَ، فِی، عَلَى، عَلَى الیَمِینِ، عَلَى الِیسَارِ، هُنَا و هُنَاكَ آشنا می‌کند.

۱- حکمت اول تا چهارم از پیامبر اسلام ﷺ و حکمت پنجم از حضرت علی علیه السلام است.

بدانیم

دانش آموز به کمک جملات درس به اندازه کافی با کلمه پرسشی «أَيْنَ» و متعلقاتش آشنا شده است. در این قسمت از درس، به طور کوتاه و مختصر اشاره ای به موضوع درس شده است. یادگیری این قسمت از درس، تنها با قرائت و ترجمه عبارات و با تمرین های شفاهی امکان پذیر است و ابهامی وجود ندارد.

فَنِّ ترجمه

در این قسمت، دو موضوع آموزش داده می شود. موضوع اول در حقیقت مطلبی جدید نیست و همان آموزش «أَيْنَ» است. اما نظر به اهمیت این جمله، مستقلاً به آن پرداخته شده است. موضوع دوم نیز از آنجا که در امثال و حکم و احادیث بسیار کاربرد دارد، درباره آن مطلبی مستقل آمده است. در عربی سال دوم هر جا فعل امر لازم باشد، می توان از اصطلاح عَلِيكَ بِـ استفاده کرد؛ زیرا فعل امر از اهداف عربی سال سوم است و استفاده از فعل امر در متون و عبارات اجتناب ناپذیر است. به کمک این اصطلاح این مشکل حل می شود.

التَّمارِينُ

تمرین اول: دانش آموز به کمک تصویری بزرگ باید به نه سؤال پاسخ دهد. به تصویر توجه می کند و پاسخ سؤالات را می یابد.

تمرین دوم: در حقیقت بین هدف آموزشی تمرین اول و دوم فرقی نیست. در اینجا فقط یک تنوع در طراحی تمرین صورت گرفته است.

تمرین سوم: باز هم این تمرین در حقیقت ادامه تمرین اول و دوم است. اما در اینجا پرسش و پاسخ ترجمه می شود؛ تا دانش آموز بتواند با شیوه صحیح مکالمه آشنا شود.

دانش افزایی برای دبیر (نه برای دانش آموز)

- ۱- أَقْدَام : جمع «قَدَم» است و «قَدَم» گاهی به معنای «رِجْل» است.
در «كُرَّةُ الْقَدَم» به معنای «فوتبال» این کلمه وجود دارد.
قَدَم مذکر و مؤنث است.
- ۲- أَمَامَ : ^۱ به معنای جلو، روبه‌رو، مقابل و از اسماء دائم الاضافه است.
ضد آن «خَلْفَ» یا «وَرَاءَ» است.
«أَمَامَكَ» کلمه تحذیر و تبصیر است به معنی «إِحْدَرْ» : برحذر باش.
- ۳- بَقَرَة : گاو است؛ اما در اصل «بَقَر» اسم جنس به معنای «گاو» است و واحدش «بَقَرَة» است
که غالباً به معنای «گاو ماده» کاربرد دارد. جمع «بَقَر»، أَبْقَار یا أَبْقَر است.
«بَقَرَات» جمع بَقَرَة است. «ثَوْر» گاو نر است.
- ۴- سَفِينَة : به معنای «کشتی» جمع آن «سُفُن و سَفَائِن» است.
امروزه به آن «بَاخِرَة» نیز گفته می‌شود.
«مَرَكَب، جَارِيَة و فُلُك» نیز به معنای «کشتی» به کار رفته است. ^۲
- ۵- فَوْق : ظرف مکان و دائم الاضافه به معنای «بالای» است. با «عَلَى» فرق دارد.
«عَلَى» آن است که مثلاً کتابی روی میزی و با آن مُماس باشد؛
ولی در «فَوْق» هم می‌تواند مُماس باشد و هم می‌تواند بر فراز آن شیء باشد.
- ۶- نَافِذَة و «شُبَّاك» هم معنا هستند. جمع «نَافِذَة»، «نَوَافِذ» و جمع «شُبَّاك»، «شُبَابِيك» است.
- ۷- «وَرَاءَ» و «خَلْفَ» مترادفند و با «أَمَامَ» متضادند.
- ۸- «هُنَاك» به معنای «آنجا» و «هُنَا» به معنای «اینجا» است.
- ۹- يَد : دست یا کف دست، مؤنث است.
لام الفعل آن محذوف و در اصل «يَكْدِي» بوده است.
مثنای آن «يَدَانِ» است.
- جمع آن «أَيْدِي» و جمع الجمع آن «أَيَادِي» است. «الْأَيَادِي» بیشتر به معنای «نعمت‌ها» است.
- ۱۰- تَحَتَ : ظرف دائم الاضافه است و گاهی مضافٌ الیه آن حذف می‌شود. (جَاءَ مِنْ تَحْتِ).
متضاد آن «فَوْقَ» است.

۱- در گویش‌های عربی به جای آن قَدَام به کار می‌رود. (رُح قَدَام یعنی برو جلو).

۲- أُسْطُول (یونانی معرَب) نیز به معنای ناوگان است. أُسْطُول حَرَبِي : ناوگان جنگی

الدَّرْسُ الثَّامِنُ

اهداف کلی

- ۱- آموختن ۲۳ کلمه جدید؛
- ۲- ترجمه سه حکمت از پیامبر اسلام ﷺ؛
- ۳- آشنایی با عددهای اصلی یک تا دوازده؛
- ۴- آشنایی با ترجمه جمله‌های دارای اسم استفهام «کَمْ» و نحوه پاسخگویی به آنها.

اهداف رفتاری

- دانش آموز در پایان این بخش باید بتواند :
- ۱- معنای ۲۳ کلمه جدید این درس را از عربی به فارسی بیان کند.
 - ۲- عددهای یک تا دوازده را از حفظ بر زبان آورد.
 - ۳- معنای جمله‌های پرسشی ساده دارای اسم استفهام «کَمْ» را بگوید.
 - ۴- به جمله‌های پرسشی دارای «کَمْ؟» پاسخی کوتاه دهد.
 - ۵- به هنگام ضرورت به حِکَم خوانده شده استشهاد کند.

تحلیل درس

سه حکمت این درس «الْمَوَاعِظُ الْعَدَدِيَّةُ» نامیده شده و در هر کدام به مناسبت اینکه موضوع درس دربارهٔ عددهای اصلی است عددی آمده است.

عددهای یک تا دوازده تدریس شده است. این عددها برای معدود مذکر تدریس شده‌اند.

- | | |
|-------------------|--------------------|
| ۱- وَاحِد | ۲- اِثْنَانِ |
| ۳- ثَلَاثَةٌ | ۴- أَرْبَعَةٌ |
| ۵- خَمْسَةٌ | ۶- سِتَّةٌ |
| ۷- سَبْعَةٌ | ۸- ثَمَانِيَةٌ |
| ۹- تِسْعَةٌ | ۱۰- عَشْرَةٌ |
| ۱۱- أَحَدَ عَشَرَ | ۱۲- اِثْنَا عَشَرَ |

تدریس عددها فقط به همین شکل باید صورت بگیرد؛ مثلاً عدد سه به صورت ثَلَاثَةٌ آموزش داده می‌شود و نباید شکل ثَلَاث را توضیح داد. دانش‌آموز هیچ احتیاجی به دانستن فرق ثَلَاث و ثَلَاثَة در سال اول ندارد.

نباید از کلماتی در تدریس یا ارزشیابی استفاده کرد که نیاز به استفاده از شکل ثَلَاث، اربع، خمس ... و عشر پیدا شود.

همچنین مبحث تطابق عدد و معدود از اهداف کتاب درسی نیست. نباید هیچ اشاره‌ای به ویژگی‌های معدود شود. اینکه ترجمهٔ «سه مرد» می‌شود ثَلَاثَةُ رِجَالٍ و «سه زن» می‌شود ثَلَاثُ نِسَاءٍ از اهداف کتاب نیست. در حقیقت چنین بحثی از سخت‌ترین مباحثی است که دانشجوی زبان عربی با آن مواجه است و بدیهی است که دانستن این مطلب برای دانش‌آموز سال اول مطلقاً لازم نیست. ادیبی عرب می‌گوید: فِي التَّحْوِيلِ لَا يَهْتَمُّنِي إِلَّا تَفَاصِيلُ الْعَدَدِ

دربارهٔ اولین تصویر که سؤال از چهار قل در قرآن است لازم به ذکر است که سورهٔ جن نیز با قل شروع شده است. ﴿قُلْ أَوْحِيَ إِلَيَّ أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِّنَ الْجِنِّ...﴾ اما اینکه به جای پنج قل، چهار قل می‌گویند به این دلیل است که در روایتی آمده که این ۴ قل خاصیت دفع بلا دارند.

تصویر سوم نقاشی بسیار زیبایی از استاد گرانقدر مرتضی کاتوزیان است.

بدانیم

در اینجا اشاره‌ای کوتاه به حذف علامت‌ه از عددهای اصلی شده است. ظاهر عددهای بالا گاهی تغییراتی دارد که دانستنِ علتِ آنها فعلاً ضرورت ندارد. مثلاً گاهی حرف «ه» در ثلاثة تا عشرة حذف می‌شود. (ثلاث، أربع، خمس ...). همین اندازه کافی است و لازم نیست از این مورد سؤال یا تمرینی طراحی گردد. دانش‌آموزی که عددهای سه تا نه را حفظ است؛ در حقیقت عددهای سیزده تا نوزده را نیز به آسانی می‌داند؛ زیرا ۱۳ تا ۱۹ همان ۳ تا ۹ است که در انتهای خود جزء «عشر» را اضافه دارد. (ثلاثة عشر، أربعة عشر، خمسة عشر ... تسعة عشر)

کلمه پرسشی «کم» برای پرسش از عدد و مقدار به کار می‌رود؛ مثال:

کَمْ شَخْصاً جَنَّبَ الْبَحْرَ؟ - عشرة أشخاص.

همین که دانش‌آموز معنای «کم» را می‌داند کافی است. اِعراب کلمه بعد از «کم» مورد نظر نیست. در انتهای فصل دوم همه کلمات پرسشی در یک جدول آماده است؛ تا دانش‌آموز دریابد هدف آموزشی اصلی این پنج درس چه بود.

التَّمارينُ

تمرین اول: هدف حفظ عددهای اصلی یک تا دوازده در شکل عام (مذکر) است.

تمرین دوم: آشنایی با جمله‌های پرسشی دارای اسم استفهام «کَمْ» و «عددهای اصلی» است.

تمرین سوم: ترجمه جملاتی که در اجزای آن کلمه پرسشی «کم» و نیز عدد به کار رفته است؛ به منظور تقویت توان مکالمه دانش‌آموز.

دانش‌افزایی برای دبیر (نه برای دانش‌آموز)

۱- عدد یک و دو صفت برای معدود خودشان هستند و نوعی تأکیدند. در حقیقت نبودن آنها آسیبی به فهم معنا وارد نمی‌سازد.

جاءَ رَجُلٌ وَاحِدٌ. جاءَتْ امْرَأَةٌ وَاحِدَةٌ. جاءَ رَجُلَانِ اثْنَانِ. جاءَتْ امْرَأَتَانِ اثْنَتَانِ.

۲- معدود عددهای سه تا ده جمع است و مجرور.

مثال: خَمْسَةُ أَوْلَادٍ. خَمْسُ بَنَاتٍ. سِتَّةُ فَلَّاحِينَ. سِتُّ فَلَّاحَاتٍ.

۳- معدود ۱۱ تا ۹۹ مفرد و منصوب است.

﴿إِذْ قَالَ يُوسُفُ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ﴾

یوسف، ۴.

برای یادگیری بهتر بحث عدد و معدود به کتاب «اعداد در زبان عربی» چاپ انتشارات مدرسه مراجعه کنید.

در این کتاب درباره اعداد اصلی و ترتیبی و متعلقات آنها توضیحاتی مفصل آمده است.

۴- بَحْر: دریا. جمع آن بِحَار، أَبْحُر و بُحُور

۵- بِدَايَة: آغاز. متضاد آن نِهَايَة است. (بِدَايَة ابتداء)

۶- مُصْحَف: به معنای کتاب است و بر قرآن کریم اطلاق شده است.

۷- نار: آتش. جمع آن نيران است.

۸- وَجَع: درد. مترادف با أَلَم. جمع آن أَوْجَاع است. در گویش‌های عربی به صورت وَجَع

يَوْجَع (درد گرفت) به کار می‌رود و معادل تَأَلَّمَ در فصیح است. الِوَجَع و وَجَع عربی فصیح است که در گویش‌های عربی نیز به همین گونه به کار می‌رود.

۹- وَجْه: صورت. جمع آن وُجُوه و أَوْجُه است.

الدَّرْسُ التَّاسِعُ

اهداف کلی

- ۱- آموختن ۲۱ کلمه جدید؛
- ۲- آموزش مکالمه (سلام، احوال پرسشی و خدا حافظی)؛
- ۳- آشنایی با ضمیرهای منفصل؛
- ۴- آشنایی با ترجمه جمله‌های دارای ضمیر منفصل.

اهداف رفتاری

- دانش‌آموز در پایان این درس باید بتواند :
- ۱- معنای ۲۱ کلمه جدید این درس را از عربی به فارسی بداند.
 - ۲- ضمیرهای فارسی را با ضمیرهای عربی مقایسه کند.
 - ۳- معنای جمله‌های ساده دارای «ضمیر منفصل» را بگوید.
 - ۴- ضمیر منفصل را مناسب با جمله به کار ببرد.
 - ۵- به زبان عربی سلام کند، احوال پرسشی کند و خدا حافظی نماید.

تحلیل درس

از درس نهم آموزش مکالمه عربی شروع شده است. در درس اول تا هشتم این کار قابل اجرا نبود؛ زیرا دانش آموز در آغاز راه است و کلمات چندانی از زبان عربی نمی داند. اما از درس نهم به بعد، به تدریج با مکالمه عربی آشنا می شود.

— السَّلَامُ عَلَیْكَ. — وَ عَلَیْكَ السَّلَامُ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ.

— صَبَاحُ الْخَيْرِ. صَبَحَ بِه خَيْر. — صَبَاحُ النَّوْرِ. صَبَحَ بِه خَيْر. (صَبَاحُ الْخَيْرِ نیز درست است.)

— كَيْفَ حَالُكَ؟ حال شما چطور است؟ — أَنَا بِخَيْرٍ وَ كَيْفَ أَنْتَ؟ خوبم. شما چطوری؟

— أَنَا بِخَيْرٍ. مِنْ أَيْنَ أَنْتَ؟ خوبم. کجایی هستی؟

— أَنَا مِنْ إِيْرَانَ وَ مِنْ أَيْنَ أَنْتَ؟ من اهل ایران هستم و شما کجایی هستی؟

— أَنَا مِنَ الْعِرَاقِ. هَلْ أَنْتَ مِنْ مُشْهَد؟ من اهل عراق هستم. آیا شما اهل مشهد هستی؟

— لَا. أَنَا مِنْ مَازَنْدَرَانَ فِی شَمَالِ إِيْرَانَ. نه من اهل مازندران در شمال ایران هستم.

— وَ أَنَا مِنَ الْبَصْرَةِ فِی جَنُوبِ الْعِرَاقِ. وَ مِنْ اهل بصره در جنوب عراق هستم. — مَا اسْمُكَ؟

اسم شما چیست؟

— اِسْمِي سَمِيرٌ وَ مَا اسْمُكَ؟ اسم من سمیر است و اسم شما چیست؟ — اِسْمِي حَمِيدٌ. اسم

من حمید است.

— أَيْنَ أُسْرَتُكَ؟ خانواده ات کجا هستند؟

— هُمْ جَالِسُونَ هُنَاكَ. ذَلِكَ أَبِي وَ تِلْكَ أُمِّي. آنها آنجا نشسته اند. آن پدرم و آن مادرم است.

— ذَلِكَ جَدِّي وَ تِلْكَ جَدَّتِي. آن پدر بزرگم و آن مادر بزرگم است.

— مَنْ هَذَا الْوَلَدُ؟ آن پسر کیست؟ — هُوَ أَخِي. او برادرم است.

— مَا اسْمُهُ؟ اسم او چیست؟ — اِسْمُهُ جَعْفَرٌ. اسم او جعفر است.

— فِي أَمَانِ اللَّهِ. خداحافظ — إِلَى اللَّقَاءِ. مَعَ السَّلَامَةِ. به امید دیدار. به سلامت.

در مکالمه بالا علاوه بر مفاهیم جدید آنچه را دانش آموز در درس چهارم تا هشتم و در بحث

حروف و اسماء استفهام خوانده است در اینجا دوره می کند. سلام کردن، احوال پرسی، پرسش از

اصالت، نحوه آشنایی و پرسیدن نام، خداحافظی کردن و نگاهی به فصل دوم اهداف آموزشی این متن را

تشکیل می دهد. در این مکالمه سعی مؤلفان این بوده است که حتی الامکان متن خیلی طولانی نشود.

بدانیم

هدف آموزشی درس نهم آموزش ضمیرهای منفصل است. چند مورد از ضمیرها (هو، هی، أنت و أنتِ) در درس‌های قبلی آموزش داده شده اند. ورود به بحث ضمیر از طریق آموخته‌های دانش‌آموز در درس فارسی امکان پذیر است. فراگیر ضمیرهای «من، تو، او، ما، شما و ایشان» را می‌شناسد؛ لذا مقایسه‌ای میان ضمیرهای فارسی و عربی صورت گرفته است؛ تا با توضیحاتی کمتر بتواند با نگاه به جدول مقایسه‌ای ضمائر آنها بیاموزد. این جدول موجب می‌شود تا توضیحات کم شود. آنچه را معلّم می‌خواهد توضیح دهد؛ جدول به‌خودی خود آموزش می‌دهد و به اندازه کافی گویاست.

		فارسی	عربی
		من	أَنَا
	تو	أَنْتَ / أَنْتِ	أَنْتِ
	او	هُوَ / هِيَ	هِيَ
	ما	نَحْنُ	
شما	أَنْتُمْ / أَنْتُنَّ	أَنْتُنَّ / أَنْتُمْ	أَنْتُمْ / أَنْتُنَّ
ایشان	هُمْ / هُنَّ	هُنَّ / هُمْ	هُنَّ / هُمْ

خوب است پس از اینکه دانش‌آموز جدول را بررسی کرد سؤال شود: «چرا برخی از ضمیرهای فارسی، چندین معادل در عربی دارند؟ پاسخ این است که در زبان عربی مذکر و مؤنث و مثنی وجود دارد که در زبان فارسی نیست. به همین دلیل مثلاً ضمیر «شما» در فارسی معادل‌های متعددی در عربی، مانند: «أَنْتُمْ، أَنْتِ و أَنْتُنَّ» دارد.

همچنین سؤال شود: چرا برای دو ضمیر انا و نحن تصویر نیامده است؟ پاسخ این است؛ زیرا انا و نحن مذکر و مؤنث ندارد و مانند فارسی است.

بسیاری از دانش‌آموزان در سال‌های بالاتر تصوّر می‌کنند هوّ و هیّ فقط برای انسان است. در حالی که دو ضمیر «هوّ» و «هیّ» به معنای «او» برای غیر انسان نیز می‌تواند به کار برود. در چنین حالتی به معنای «آن» می‌باشد؛ مثال :

ما هوّ؟ - هوّ، جَوَّالٌ. ما هیّ؟ - هیّ شَجَرَةُ الزَّمانِ.

التَّمَارِينُ

تمرین اوّل : با استفاده از تصاویر تمرینی زیبا و مؤثر برای آموزش و تمرین ضمیر منفصل طّراحی شده است.

گزینش تصاویر حساب شده است. سعی شده جملات بار ارزشی داشته باشند و اطلاعات فراگیر را افزایش دهند و تکیه بر مفاخر ملّی باشد؛ مانند : جابر بن حیان^۱، آلینوش طریان^۲.

۱- ابوموسی جابر بن حیان (زاده حدود سال ۱۰۰ هجری شمسی معادل با ۷۲۱ میلادی در توس - در گذشته حدود سال ۱۹۴ هجری شمسی معادل با ۸۱۵ میلادی در کوفه) دانشمند، کیمیاگر و فیلسوف ایرانی بود. او را «پدر علمی شیمی» نامیده‌اند و بسیاری از روش‌ها (مانند تقطیر) و انواع ابزارهای اساسی شیمی مانند قرع و انبیق را به او نسبت می‌دهند. پژوهشگران بر این باورند که زادگاه او شهر توس در خراسان ایران بوده است. پس از تولّدش، پدر او که یک داروساز شناخته شده بود، به دلیل نقشی که در براندازی حکومت اموی داشت، دستگیر شد و به قتل رسید. جابر به نوشته‌های باقی‌مانده از پدرش علاقه‌مند شد و به ادامه حرفه او پرداخت. او با شوق و علاقه به یادگیری علوم دیگر نیز می‌پرداخت. همین، سبب هجرت او از ایران به عراق شد. کتاب‌ها و رسالات بسیار جابر، سال‌ها پس از وی، توجه کیمیاگران اروپایی را به خود جلب نمود. به گفته آنها، این کتاب‌ها تأثیر ژرفی بر دیدگاه کیمیاگران غربی نهاده است. به اتفاق پژوهشگران بر این باورند که صفت کوفی که به دنبال نام جابر آمده است، نشانگر زادگاه او نیست؛ بلکه نشانگر این است که وی زمانی در کوفه می‌زیسته است. جابر نخستین شیمیدان ایرانی است. برخی بر این باورند که وی عرب بوده اما این طور نبوده است. در روستای گچ جابر در بدرة ایلام مقبره‌ای وجود دارد که برخی می‌گویند مقبره جابر بن حیان است. (اما اغلب آن را مقبره جابر بن عبدالله انصاری می‌دانند.)

عقیده جابر این بود که همچنان که طبیعت می‌تواند اشیا را به یکدیگر تبدیل کند؛ مانند تبدیل خاک و آب به گیاه و تبدیل گیاه به موم و عسل به وسیله زنبور عسل و تبدیل قلع به نقره در زیرزمین و... کیمیاگر نیز می‌تواند با تقلید از طبیعت و استفاده از تجربه‌ها و آزمایش‌ها همان کار طبیعت را در مدت زمانی کوتاه‌تر انجام دهد. اما کیمیاگر برای این که بتواند یک شیء را به شیء دیگر تبدیل کند، به وسیله‌ای نیازمند است که اصطلاحاً آن را اکسیر می‌نامند.

اکسیر در علم کیمیا، به منزله دارو در علم پزشکی است. جابر اکسیر را که از آن در کارهای کیمیایی خود استفاده می‌کرد، از انواع موجودات سه‌گانه (فلزات، حیوانات و گیاهان) به‌دست آورد.

۲- آلینوش طریان، زاده ۱۲۹۹ در تهران - درگذشته ۱۳۸۹ در تهران) فیزیکدان ایرانی بود که به «مادر نجوم» و «بانوی اختر

دکتر سعید کاظمی آشتیانی^۱، افسانه شعبان‌نژاد^۲، استاد شهید مرتضی مطهری^۳، طاهره صفارزاده^۴

فیزیک‌ایران» ملقب گردیده است. آئینوش طریان در تهران و در ۱۸ آبان ۱۲۹۹ از پدر و مادری تحصیل کرده از خانواده‌ای ارمنی ایرانی زاده شد. آئینوش طریان به دانشگاه سوربن رفت و دکترا گرفت. با وجود پیشنهاد استادی در دانشگاه سوربن، دکتر طریان با هدف خدمت به کشورش به ایران بازگشت و در دانشگاه تهران به عنوان دانشیار ترمودینامیک منصوب شد.

او در سال ۱۳۳۸ برای شرکت در بورسیه دولتی آلمان غربی در مطالعه رصدخانه خورشیدی انتخاب شد و پس از چهار ماه مطالعه به ایران بازگشت و در سال ۱۳۴۵ نقش عمده‌ای را در بنیانگذاری نخستین رصدخانه فیزیک خورشیدی در ایران ایفا کرد. خانم دکتر طریان در سال ۱۳۴۳ به مقام استادی در دانشگاه تهران رسید و نخستین شخصی بود که درس فیزیک ستاره‌ها (اختر فیزیک) را در ایران تدریس کرد. وی به زبان‌های فارسی، ارمنی و فرانسه تسلط داشته و با ترکی و انگلیسی آشنایی داشت. آئینوش طریان بعد از ۳۰ سال تدریس، در سال ۱۳۵۸ به درخواست خویش بازنشسته شد. آئینوش طریان هرگز ازدواج نکرد و منزل خود را وقف ارامنه جلفا و دانشجویانی که محل اسکان مناسبی ندارند نمود و در اواخر عمر در آسایشگاه سالمندان زندگی می‌کرد. طریان در تاریخ ۱۵ اسفند ماه ۱۳۸۹ به علت کهنولت سن در تهران درگذشت.

۱- دکتر کاظمی آشتیانی

زنده یاد دکتر سعید کاظمی آشتیانی، در نخستین روز از فروردین ماه ۱۳۴۰ در تهران به دنیا آمد. آثار نبوغ از همان سنین نوجوانی و جوانی در وی قابل مشاهده بود. به طوری که در سال ۱۳۵۸ در همان سن ۱۸ سالگی هم زمان با ورود به دانشگاه، در هنرستان پیام امید به تدریس ادبیات و بینش اسلامی می‌پرداخت.

سال ۱۳۵۸ در رشته فیزیک برای دانشگاه علوم پزشکی ایران پذیرفته شد. تعطیلی دانشگاه‌ها به علت انقلاب فرهنگی و حضور وی در جبهه‌های نبرد طی آن سال‌ها باعث شد پس از ۱۱ سال سرانجام در سال ۱۳۶۹ با اخذ مدرک کارشناسی ارشد رشته فیزیک برای آن دانشکده علوم توانبخشی فارغ التحصیل گردد.

در سال ۱۳۶۱ با همکاری دو تن از همکارانش جهاد گروه پزشکی را در دانشگاه علوم پزشکی ایران تأسیس کرد. این گروه هسته اولیه جهاد دانشگاهی علوم پزشکی ایران بود که در سال ۱۳۶۵ شکل گرفت و دکتر کاظمی تا سال ۱۳۷۰ عهده دار مسئولیت بخش طرح‌ها و تحقیقات آن بود. از سال ۱۳۷۱ با تغییرات ساختار مدیریتی جهاد دانشگاهی به سمت ریاست جهاد دانشگاهی واحد علوم پزشکی ایران منصوب شد که این مسئولیت تا پایان دوره حیاتش بر عهده وی بود.

در طی این سال‌ها مراکز درمانی بسیاری تأسیس و گروه‌های مختلف پژوهشی را راه اندازی کرد که در آن میان پژوهشکده رویان جهاد دانشگاهی یکی از مهم‌ترین این مراکز بود. پژوهشکده رویان جهاد دانشگاهی خرداد ماه ۱۳۷۰ با مدیریت دکتر کاظمی رسماً فعالیت خود را آغاز کرد و تاکنون هزاران زوج نابارور با بهره‌مندی از خدمات این مرکز پیشرفته درمان ناباروری صاحب فرزند شده‌اند. دکتر کاظمی در همین دهه و هم زمان با مدیریت جهاد دانشگاهی علوم پزشکی ایران و پژوهشکده رویان در دانشگاه تربیت مدرس به ادامه تحصیل در رشته علوم تشریح با گرایش جنین‌شناسی پرداخت و در سال ۱۳۷۶ با رتبه ممتاز موفق به اخذ درجه دکتری شد.

توانمندی او سبب شد تا در دوران زندگی کوتاهش در دو حوزه مدیریتش موفقیت‌های چشمگیری همچون گسترش روش‌های پیشرفته درمان ناباروری، تولید و تکثیر و انجام سلول‌های بنیادی جنینی و همانند سازی (کلونینگ) حیوانات را رقم بزند.

سعید کاظمی آشتیانی (زاده ۱ فروردین ۱۳۴۰ - درگذشته ۱۴ دی ۱۳۸۴)، رئیس پیشین پژوهشکده رویان و جهاد دانشگاهی دانشگاه علوم پزشکی ایران. وی دکترای تخصصی جنین‌شناسی از دانشگاه تربیت مدرس داشت و پس از تشکیل پژوهشکده رویان، در رشد طب تولید مثل، فناوری سلول‌های بنیادی و همانند سازی در کشور نقش بسزایی داشت. کاظمی آشتیانی در زمینه علمی و مدیریتی موفقیت‌های زیادی را برای خود و کشور موجب شد.

او مؤسس پژوهشکده رویان جهاد دانشگاهی به سال ۱۳۷۰ بود.

کاظمی آشتیانی علاوه بر ریاست پژوهشکده رویان و جهاد دانشگاهی واحد علوم پزشکی ایران، هم‌زمان حضوری توانمند در فعالیت‌های علمی داشت. چاپ دهه‌ها مقاله در مجلات علمی داخلی و بین‌المللی، انجام چندین طرح تحقیقاتی ملی و تألیف کتاب از جمله کارهای وی بود.

ستارخان و باقرخان^۱، برادران امیدوار^۲. بقیه تصاویر از چهره‌های معروف نیستند.

وی در ۱۴ دی ۱۲۸۴ در سن ۴۴ سالگی بر اثر سکنه قلبی درگذشت.

۲- افسانه شعبان‌نژاد

شاعر و نویسنده معاصر کتاب‌های کودک و نوجوان

۳- مرتضی مطهری (۱۳ بهمن، ۱۲۹۸، فریمان - ۱۱ اردیبهشت، ۱۳۵۸، تهران) فیلسوف، متکلم و مفسر قرآن و از نظریه‌پردازان نظام جمهوری اسلامی ایران بود.

وی پیش از انقلاب اسلامی استاد دانشگاه تهران بود. بعد از انقلاب به ریاست شورای انقلاب منصوب شد. امام خمینی(ره) علاقه زیادی به وی داشت، تا بدانجا که بعد از مرگش فرمود: «مطهری پاره تن اسلام و حاصل عمر من بود.»

در سال ۱۳۳۱ در حالی که از مدرّسین معروف و از امیدهای آینده حوزه به شمار می‌رود به تهران مهاجرت می‌کند. در تهران به تدریس در مدرسه مروی و تألیف و سخنرانی‌های تحقیقی می‌پردازد. در سال ۱۳۳۴ اولین جلسه تفسیر انجمن اسلامی دانشجویان توسط استاد مطهری تشکیل می‌گردد. در همان سال تدریس خود در دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران را آغاز می‌کند. در سال‌های ۱۳۳۷ و ۱۳۳۸ که انجمن اسلامی پزشکان تشکیل می‌شود استاد مطهری از سخنرانان اصلی این انجمن است و در طول سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۰ سخنران منحصر به فرد این انجمن می‌باشد که بحث‌های مهمی از ایشان به یادگار مانده است.

۴- طاهره صفارزاده، (۲۷ آبان ۱۳۱۵، سیرجان - ۴ آبان ۱۳۸۷، تهران)، شاعر، پژوهشگر و مترجم ایرانی قرآن بود.

وی پس از کسب مدرک لیسانس در رشته زبان و ادبیات انگلیسی، برای ادامه تحصیل به خارج از کشور رفت. در سال ۱۳۷۱ از سوی وزارت فرهنگ و آموزش عالی، عنوان استاد نمونه به وی اعطا شد و در سال ۱۳۸۰ پس از انتشار ترجمه قرآن به انگلیسی و فارسی عنوان خادم‌القرآن را کسب کرد. او در سال ۲۰۰۵، از سوی انجمن نویسندگان آفریقایی و آسیایی در مصر، به‌عنوان برترین زن مسلمان برگزیده شد.

۱- ستارخان

ستارخان از سرداران جنبش مشروطه خواهی ایران، ملقب به سردار ملی است. وی با ایستادگی در برابر نیروهای دولتی ضد مشروطه در تبریز جانفشانی‌های بسیاری کرد.

ستار قره داغی در ۲۸ مهر ۱۲۴۵ خورشیدی دیده به جهان گشود. او از اهالی روستای بی شک (اکنون: سردارکندی) ارسباران (قره‌داغ) آذربایجان بود که در مقابل قشون عظیم محمدعلی شاه پس از به توپ بستن مجلس شورای ملی و تعطیلی آنکه برای طرد و دستگیر کردن مشروطه خواهان تبریز به آذربایجان گسیل شده بود ایستادگی کرد. وی مردم را بر ضد اردوی دولتی فرا خواند و خود رهبری آن را بر عهده گرفت و به همراه سایر مجاهدین و باقرخان سالار ملی مدت یک سال در برابر قوای دولتی ایستادگی کرد و نگذاشت شهر تبریز به دست طرفداران محمد علی شاه بیفتد.

باقرخان

باقرخان، مشهور به سالار ملی، از مبارزان جنبش مشروطه است. در سال ۱۲۴۰ شمسی در محله خیابان تبریز زاده شد. شغل وی بنّایی بود، ولی در جریان مشروطیت به مجاهدین پیوست. ریاست مجاهدین محله خیابان تبریز را (خیابان یکی از محلات قدیمی تبریز است مشتمل بر بخش‌های واقع در جنوب رودخانه آجی در شرق تا جنوب شرقی شهر) به‌عهده داشت. پس از به توپ بستن مجلس، به دستور انجمن‌ایالتی همراه با ستارخان به جنگ مسلحانه با قشون دولتی پرداخت. همزمان با او، ستارخان در محله امیرخیز، محله دیگر تبریز، با دولتیان می‌جنگید. در اثر همکاری او با ستارخان کار مشروطه‌طلبان پیشرفت کرده و تبریز از محاصره درآمد. پس از پیروزی مجاهدین، مجلس شورای ملی باقرخان را به لقب سالار ملی ملقب ساخت، و از او تقدیر نمود.

در اثر مجاهدت ستارخان و باقرخان مشروطیت استقرار یافت؛ اما دیری نگذشت که تبریز به دست قشون روس افتاد. سالار ملی و سردار ملی در تبریز نمانده و به تهران حرکت کردند و استقبال کم نظیری از این دو مجاهد شجاع از طرف دولت مشروطه به عمل آمد.

۲- عیسی امیدوار و عبدالله امیدوار دو برادر جهانگرد، فیلم‌بردار و تهیه‌کننده (مستندساز) ایرانی هستند.

این دو برادر در دهه ۱۳۳۰ به نقاط مختلف دنیا سفر کردند و از مشاهدات خود فیلمبرداری کردند. فیلم‌های آنها در زمان خود از

تمرین دوم : هدف آموزشی تمرین اول و دوم یکی است و آن یادگیری ضمائر در زبان عربی است. لازم است این تمرین پس از اینکه حل شد، ترجمه شود.

تمرین سوم : هدف آموزشی تلفیق آموخته‌های درس ۱ تا ۳ با درس ۹ است. همانند تمرین دوم این تمرین نیز باید ترجمه شود.

تمرین چهارم : هدف تمرین چهارم مانند تمرین سوم است؛ تنها تنوعی در شکل ظاهر صورت گرفته است.

تمرین پنجم : هدف آموزشی تلفیق آموخته‌های درس ۴ تا ۸ با درس ۹ است.

شبهه‌های تلویزیونی جهانی نیز پخش می‌شد.

موزه انسان‌شناسی برادران امیدوار روز پنجم مهرماه ۱۳۸۲ در هفته جهانگردی در مجموعه سعدآباد افتتاح شد. این موزه سه نگارخانه دارد که در دو نگارخانه آن، آثار اهدایی برادران امیدوار به معرض نمایش گذاشته شده است. این آثار حاصل سفرهای این دو برادر و عکس‌های آنهاست. این اشیاء از قاره‌هایی چون آفریقا، آسیا، آمریکا و استرالیا جمع‌آوری شده است.

نگارخانه سوم، اتاق نمایش فیلم است که در آن فیلم سفر و اسلایدهای گرفته شده توسط این دو برادر به نمایش درمی‌آید.

کتاب سفرنامه برادران امیدوار وقایع سفر این دو برادر را به نقاط مختلف جهان همراه با نتیجه پژوهش‌های انسان‌شناسی آنان ارائه می‌کند. برادران امیدوار در سال‌هایی که انجام سفر با مشکلات فراوانی مواجه بود اقدام به سفر به دور دنیا نمودند. بنابراین، در موارد زیادی از جمله موارد زیر به عنوان اولین‌ها مطرح می‌باشند.

اولین جهانگردان ایرانی

اولین مسافر ایرانی قطب جنوب (عبدالله امیدوار)

اولین مسافر آسیایی قطب جنوب

اولین مسافر ایرانی که هم به قطب شمال و هم به قطب جنوب مسافرت نموده‌اند.

دانش‌افزایی برای دبیر (نه برای دانش‌آموز)

- ۱- أَب : پدر. جمع آن آباء است. گاهی به جای «یا اَی» به صورت «یا أَبَت» می‌شود.
«أَب» از اسماء خمسّه است که در حالتِ رفع اَبو در حالت نصب اَبا و در حالت جرّ اَی می‌گردد.
اصل این کلمه «أَبُو» است که واو آن بنابر تخفیف حذف شده است.
- ۲- أُسْرَة : خانواده. با عائله هم معناست. جمع آن «أُسَر» است.
- ۳- جِوَار : گفت‌وگو. جمع آن جِوارات است. مصدر دوم باب مفاعله است. (حَاوَرَ، يُحَاوِرُ، مُحَاوَرَةً و جِوَاراً)
- ۴- كَيْف : چگونه.
برای استفهام حقیقی به کار می‌رود. كَيْفَ ناصِرٌ؟
و برای استفهام غیر حقیقی نیز به کار می‌رود. ﴿كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ﴾
هرگاه بعد از آن اسم معرفه یا افعال ناقصه باشد، «کیف» نقش «خبر مقدّم» دارد. مثال : كَيْفَ إسماعیلُ؟ و كيف كان الجوّ؟
و اگر بعد از آن فعل تام باشد، «کیف» نقش حال را می‌گیرد. مثال : كيف جاء ناصِرٌ؟

الدَّرْسُ العَاشِرُ

اهداف کلی

- ۱- آموختن ۱۷ کلمه جدید؛
- ۲- ترجمه روایتی در باره مقام عالم از حضرت علی علیه السلام؛
- ۳- آموزش مکالمه (نحوه آشنایی)؛
- ۴- آشنایی با ضمیرهای متصل؛
- ۵- آشنایی با ترجمه جمله‌های دارای ضمیر متصل.

اهداف رفتاری

- دانش آموز در پایان این درس باید بتواند :
- ۱- ۱۷ کلمه جدید این درس را از عربی به فارسی معنا کند.
 - ۲- ضمایر متصل را در جمله معین کند.
 - ۳- ضمیرهای متصل فارسی را با ضمیرهای عربی مقایسه کند.
 - ۴- معنای جمله‌های ساده دارای «ضمیر متصل» را بگوید.
 - ۵- ضمیر متصل را در جمله به صورت صحیح به کار ببرد.
 - ۶- مکالمه‌ای ساده در حد نحوه آشنایی با فردی را انجام دهد.

تحلیل درس

شروع درس با روایتی از حضرت علی (علیه السلام) درباره جایگاه دانشمندان است.

جُلُوسُ سَاعَةٍ عِنْدَ الْعُلَمَاءِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنَ عِبَادَةِ أَلْفِ سَنَةٍ.

نشستن لحظه‌ای نزد دانشمندان، نزد خدا از عبادت هزار سال محبوب‌تر است.

وَالنَّظَرُ إِلَى الْعَالَمِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنَ اعْتِكَافِ سَنَةٍ فِي بَيْتِ اللَّهِ.

و نگاه به دانشمند، نزد خدا از یک سال اعتکاف در خانه خدا محبوب‌تر است.

و زيارَةُ الْعُلَمَاءِ أَحَبُّ إِلَيَّ لِلَّهِ تَعَالَى مِنْ سَبْعِينَ طَوَافاً حَوْلَ الْبَيْتِ.

و دیدار دانشمندان نزد خدای بلند مرتبه از هفتاد طواف به دور خانه خدا محبوب‌تر است.

این روایت نشان‌دهنده مقام عالم در دین اسلام است. تصویر چهره‌های ماندگار نیز به القای این مفهوم کمک می‌کند.

از درس سوم آموزش مکالمه عربی شروع شده است. این کار به تدریج شروع می‌شود و بیشتر به شکل دوره‌ای بر حروف و اسماء استفهام درس دوم است.

بدانیم

این قسمت از درس درباره ضمیرهای متصل در فارسی و عربی است. هدف این است که از دانسته‌های دانش‌آموز برای تفهیم مطلب کمک گرفته شود.

ضمیرها: در زبان عربی مانند زبان فارسی به دو گروه منفصل و متصل (جدا و پیوسته) تقسیم می‌شوند.

این ضمائر را متصل می‌نامند؛ زیرا به آخر کلمه می‌پیوندند؛ مثال: مِنْهُ، كِتَابُهَا، أَخُوکُمْ

برای اینکه دانش‌آموز درس را به سادگی بیاموزد، همانند بخش قبلی جدولی طراحی شده است.

		عربی	فارسی
		ی	م
ک	ک	ک	ت
	ها	ه	ش
		نا	مان
کُما / هُما	کُنْ هُنَّ	کُم / هُنَّ	تان
کُها / هُها	کُنَّ هُنَّ	هَمَّ / هُنَّ	شان

این جدول موجب می‌شود معلم کمتر توضیح دهد. خود جدول کاملاً رسا و گویاست و دانش‌آموز با نگاه کردن و مطالعه و بررسی آن متوجه می‌شود ضمیرهای متصل در فارسی و عربی به چه صورت است. لازم است برای تفهیم مطالب جدول ضمائر، یک اسم را به این کلمات متصل کرد؛ مثال:

کتابم : کِتَابِی / کتابت : کِتَابُکَ، کِتَابُکِ

فَنِّ ترجمه

ضمیر متصل عربی را در فارسی به هر دو صورت ضمیر منفصل یا متصل می‌توان معنا کرد؛ مانند :

«هذا أَخِي» یعنی «این برادرم است.» یا «این برادرِ من است.»
این سؤالی است که در ذهن دانش‌آموز پدید می‌آید و این بخش پاسخگوی سؤالی مقدّر است.
گاهی ضمیرهای «هَ، هُما، هُمّ، هُنّ» به صورت «هَ، هُما، هُمّ، هُنّ» می‌آید.
همین اندازه دانش‌آموز بداند کافی است و نیازی به دانستن دلیل آن نیست.
اما علت این است که : «هرگاه قبل از ضمائر (هَ، هُما، هُمّ، هُنّ) کسره و یا «یَ» ساکن بیاید این ضمائر به صورت (هَ، هُما، هُمّ، هُنّ) می‌شوند؛ مانند : فیه، إلیه، علیهم، به، کتابه»

الْتِمَارِینُ

تمرین اوّل : ترجمه جملاتی دارای ضمیر منفصل و متصل با ترکیب اهداف آموزشی درس نهم هدف آموزشی این تمرین است.

تمرین دوم : تقویت آموخته‌های دانش‌آموز در ضمائر منفصل با اشاره به آموخته‌های درس نهم
تمرین سوم : تقویت آموخته‌های دانش‌آموز در ضمائر متصل با اشاره به آموخته‌های درس نهم
سه مجموعه تمرین برای تثبیت یادگیری ضمائر کافی نیست؛ لذا در دروس بعد، مجدداً این ضمائر تکرار می‌شوند. در این درس آموزش رسمی ضمائر صورت می‌گیرد و پایان درس به معنای پایان آموزش ضمیر نیست. در حقیقت درس ۱۱ تا ۲۰ آموزش دوباره ضمیرهاست. در عربی سال دوم نیز این کار ادامه می‌یابد و همه آموخته‌های پیشین تقویت می‌گردد تا ملکه ذهن فراگیر شود.

تمرین چهارم : تلفیق آموخته‌های این درس با دروس قبلی است.
 تمرین پنجم : هدف این تمرین، تقویت مهارت شناخت واژگان است.
 تمرین ششم : فعالیت پژوهشی به صورت گروهی یا فردی برای یافتن سخنان زیبا در مقام عالم :

سخنانی از حضرت علی علیه السلام

الْعُلَمَاءُ حُكَّامٌ عَلَى النَّاسِ. دانشمندان، فرمانروایان مردم هستند.
 الْعَالِمُ حَيٌّ وَإِنْ كَانَ مَيِّتًا. دانشمند هرچند مرده باشد، زنده است.
 رُتْبَةُ الْعَالِمِ أَعْلَى الْمَرَاتِبِ. رتبه دانشمند، بالاترین رتبه‌هاست.
 إِذَا رَأَيْتَ عَالِمًا فَكُنْ لَهُ خَادِمًا. هنگامی که با دانشمندی برخورد کردی، خدمت‌گزار او باش.
 الْعَالِمُ يَنْظُرُ بِقَلْبِهِ وَخَاطِرِهِ وَالْجَاهِلُ يَنْظُرُ بِعَيْنِهِ وَنَاطِرِهِ. دانشمند با دل و باطن خود نظر می‌کند، ولی نادان با چشم و دیده ظاهری خود، کارها را می‌بیند.

صاحب‌دلی به مدرسه آمد ز خانقاه	بشکست عهد صحبت اهل طریق را
گفتم میان عالم و عابد چه فرق بود	تا اختیار کردی از آن‌این فریق را
گفت آن گلیم خویش به در می‌برد ز موج	وین جهد می‌کند که بگیرد غریق را

(سعدی شیرازی)

دانش‌افزایی برای دبیر (نه برای دانش‌آموز)

- ۱- جمع أَلَف، آلف و أُلُوف است.
- ۲- جمع جِدَار، جُدُر و جُدُرَان است. حائِط نیز به معنای جِدَار است.
در فارسی کلمه حَيَاط جمع حائِط است که به معنای جدیدی به کار می‌رود؛ البته تلفظ درست حِیاط، حِیاط بر وزن جِبَال است.
- ۳- جمع شَارِع، شَوَارِع است. «شَارِع رَّئِیْسِی» به معنای «خیابان اصلی» است.
- ۴- در گویش‌های محلی عربی تعداد ضمیرها کمتر است.
مثلی در عامیانه وجود ندارد و در بسیاری از گویش‌ها به جای ضمیر جمع مؤنث، ضمیر جمع مذکر به کار می‌رود.^۱
- ۵- «أَحَبَّ» ادغام «أَحَبَّ» و بر وزن أَفْعَل و اسم تفضیل است.
أَشَدَّ و أَضَرَّ نیز شبیه أَحَبَّ هستند.
- ۶- جُلُوس و قُعُود مترادف اند و با قیام متضادند.
- ۷- «تَعَالَى» در «اللَّهِ تَعَالَى» فعل ماضی در معنای تنزیه است؛ مثلاً «بِاسْمِهِ تَعَالَى» یعنی «به نام او که نامش بلند مرتبه باد».

۱- در گویش شامی برعکس است و اصلاً ضمیر جمع مذکر وجود ندارد و هُن و کُن به جای هُم و کُم به کار می‌رود.
مثال: این بَیْتُکُم؟ وین بَیْتُکُن؟

الدَّرْسُ الْحَادِي عَشَرَ

اهداف کلی

- ۱- آموختن ۱۸ کلمه جدید؛
- ۲- آموزش مکالمه به زبان عربی؛
- ۳- آموزش معادل عربی دو جمله «او انجام داد.» و «آنها انجام دادند.»؛
- ۴- آشنایی با فعل ماضی صیغه‌های فَعَلَ، فَعَلُوا، فَعَلْتُ، فَعَلْتُمْ و فَعَلْنَا.

اهداف رفتاری

- دانش آموز در پایان این درس باید بتواند :
- ۱- ۱۸ کلمه جدید این درس را از عربی به فارسی معنا کند.
 - ۲- هر یک از صیغه‌های ماضی «فَعَلَ، فَعَلُوا، فَعَلْتُ، فَعَلْتُمْ و فَعَلْنَا» را ترجمه کند.
 - ۳- دو فعل «انجام داد» و «انجام دادند» را در فارسی و عربی مقایسه کند.
 - ۴- جمله‌های ساده دارای «فعل ماضی غایب» را از عربی به فارسی ترجمه کند.
 - ۵- مکالمه‌ای ساده در حد کاربرد حروف و اسماء استفهام «مَنْ، هَلْ، اَمَاذَا، لِمَاذَا» را انجام دهد.

دهد.

تحلیل درس

جَوَارٌ فِي الْأُسْرَةِ (گفت و گویی در خانواده)

متن مکالمه به گونه‌ای است که دانش‌آموز متوجه وجه افتراق زبان فارسی با عربی می‌گردد و آن وجود مذکر و مؤنث در زبان عربی است که از ویژگی‌های بارز این زبان است. متن اول و دوم در عین حال که مکالمه است؛ آموزش قواعد درس نیز می‌باشد. لازم است معلم از دانش‌آموز بخواهد تا اختلافات این دو متن را بررسی و توضیح دهد؛ سپس چنانچه دانش‌آموز حق مطلب را به درستی ادا نکرد؛ خودش توضیح دهد.

در درس‌های ۴ تا ۸ اسماء و حروف استفهام آمده و متن به گونه‌ای تنظیم شده که این هدف آموزشی را پشتیبانی می‌کند. در حقیقت متنی چند منظوره می‌باشد. هم دوره کلمات پرسشی است و هم یک متن مکالمه و هم هدف اصلی درس را پشتیبانی می‌کند.

- | | |
|--------------------------------------|--|
| الْأَبَ - مَنْ طَرَقَ الْبَابَ؟ | الْوَلَدُ - صَدِيقِي، طَرَقَ الْبَابَ. |
| - هَلْ كَانَ مَعَ أُمِّهِ؟ | - لَا . كَانَ مَعَ أَبِيهِ. |
| - مَاذَا سَأَلَكَ؟ | - هُوَ سَأَلَ : «مَا هِيَ وَاجِبَاتُنَا؟» |
| - لِمَاذَا سَأَلَ هَذَا السُّؤَالَ؟ | - لِأَنَّهُ كَانَ غَائِبًا. |
| - أَمْ كَانَ مَرِيضًا؟ | - لَا . ذَهَبَ إِلَى الْمُسَابَقَةِ. |
| - هَلْ هُمَا خَلَفَ الْبَابَ الْآنَ؟ | - لَا . هُمَا ذَهَبَا إِلَى مَنَزِلِهِمَا. |
| پدر- چه کسی در زد؟ پسر | - دوستم در زد. |
| - آیا همراه مادرش بود؟ | - نه همراه پدرش بود. |
| - از تو چه پرسید؟ (خواست) | - او پرسید : تکالیفمان چیست؟ |
| - چرا این سؤال را پرسید؟ | - زیرا غایب بود. |
| - آیا بیمار بود؟ | - نه به مسابقه رفت. |
| - آیا آنها اکنون پشت در هستند؟ | - نه آنها به منزلشان رفتند. |

متن دوم نیز همین طور است اما مکالمه میان مادر و دختر است.

برای تفهیم فعل‌های ماضی غایب شش جمله مصور طراحی شده است؛ تا آموزش در شیوه‌ای مناسب صورت پذیرد.

بدانیم

هدف آموزش معادل دو جمله فارسی در عربی است که در جدول زیر آمده است.

او انجام داد	هِيَ فَعَلَتْ	هُوَ فَعَلَ
ایشان (آنها) انجام دادند	هُمَا فَعَلْنَا هُنَّ فَعَلْنَ	هُمَا فَعَلَا هُمْ فَعَلُوا

در حقیقت همین که دانش آموز بتواند جمله های دارای صیغه های فوق را از عربی به فارسی ترجمه کند؛ هدف آموزشی درس محقق شده است. شش مثال مصور ابتدای درس این وظیفه را به خوبی انجام می دهند. به یاد داشته باشیم ترجمه از فارسی به عربی در سال اول هدف آموزشی نیست. ترجمه فقط باید از عربی به فارسی صورت بگیرد.

دانش آموزان گاهی تصور می کنند آوردن ضمیر به همراه فعل الزامی است. علت این اشتباه این است که در کتاب درسی همواره ضمیر و فعل ماضی را در یک صیغه کنار هم می بینند. لازم است حال که در آغاز راه هستند، این نکته به آنان تذکر داده شود. گاهی نیز می پندارند هماهنگی ضمیر متصل با فعل از نظر شخص و عدد، لازم است. در حالی که چنین نیست؛ مثال :

صَدِيقِي ذَهَبَ إِلَى بَيْتِكَ.

فَنِّ ترجمه

به همین اندازه که در کتاب آمده است اکتفا شود. همین که دانش آموز مختصر و مفید بداند «قَلَمٌ» با «الْقَلَمُ» فرق دارد کافی است. در اینجا منظور ورود به بحث معرفه و نکره نیست. ذکر اصطلاح معرفه و نکره نیز لازم نیست. دانش آموز سال اول در درس انگلیسی نیز با چنین قاعده ای مواجه می شود و در آنجا نیز a pen و the pen آشنا می شود. فهم معنای ال همانند فهم معنای the در انگلیسی است. هرگاه اسم در متنی برای اولین بار بیاید نکره است؛ اما بار دوم، همان اسم معرفه است و از نکره بودن خارج می شود؛ مثال : فِي قَدِيمِ الزَّمانِ كَانَ رَجُلًا فِي غَابَةِ. الرَّجُلُ كَانَ وَحِيدًا فِي الْغَابَةِ ... رَجَعَ جُنْدِيٌّ. سَرَبَازِي بَرگِشت. رَجَعَ الْجُنْدِيُّ. سَرَبَاز بَرگِشت. یا آن سَرَبَاز بَرگِشت. جَلَسَتْ بَائِعَةٌ. فَرُوشَنده ای نَشست. جَلَسَتْ الْبَائِعَةُ. فَرُوشَنده نَشست. یا آن فَرُوشَنده نَشست.

تدریس فعل ماضی با الگوی پیش سازمانده یا ساخت‌شناسی (cognitive structure)

حبیب تقوایی

این الگو برای اولین بار توسط دیوید آزوبل صاحب‌نظر تعلیم و تربیت مطرح شد براساس این نظریه، یادگیری معنادار زمانی اتفاق می‌افتد که یادگیرنده بتواند مطالب جدید را به مطالبی که قبلاً آموخته مرتبط سازد.

پیش‌سازمانده، مطلب یا مفهومی است که در مقدمه تدریس می‌آید تا مبحثی را که به شاگردان ارائه داده می‌شود، با مباحث پیشین مرتبط سازد و پایه‌ای برای ارتباط مفاهیم جدید با مفاهیم پیشین باشد. این الگو به معلمان کمک می‌کند تا بتوانند مقدار زیادی اطلاعات را به‌طور معنادار و مؤثر به دانش‌آموزان انتقال دهند.

پیش‌سازمان‌دهنده‌های درس ۱۱ در زبان فارسی و عربی

- ۱- آشنایی با مفهوم فعل در زبان فارسی
- ۲- آشنایی با مفهوم زمان فعل در زبان فارسی
- ۳- آشنایی با جنس اسم (مذکر و مؤنث) در زبان عربی
- ۴- آشنایی با عدد اسم (مفرد و مثنی و جمع) در زبان عربی
- ۵- آشنایی با ضمائر منفصل

۱- مرحله اول تدریس: یادآوری مفهوم «فعل» در زبان فارسی

معلم سه جمله زیر را روی تابلو (اسلاید، پاورپوینت) نشان می‌دهد.

مریم نامه‌ای نوشت ، علی به بازار رفت ، معلم به کلاس آمد.

و از دانش‌آموزان می‌خواهد از میان کلمات هر جمله، فعل را معین کنند.
چنانچه دانش‌آموزان فعل را معین نمودند این مرحله به پایان می‌رسد.
و گرنه باید به آنها کمک کند تا فعل را پیدا کنند.
مثلاً می‌گوییم: برای پیدا کردن فعل می‌توان جمله را مورد سؤال «... چه کاری انجام داد؟» قرار داد. مریم چه کاری انجام داد؟ ...
و یا می‌گوییم فعل کلمه‌ای است که بتوان آن را صرف کرد. بنابراین «نوشت» فعل است چون می‌توان گفت: من نوشتم، تو نوشتی، او نوشت و...

۲- مرحله دوم: یادآوری مفهوم زمان در زبان فارسی

معلم سه جمله زیر را می‌نویسد.

فاطمه به مسافرت رفت.

فاطمه به مسافرت می‌رود.

فاطمه به مسافرت خواهد رفت.

و از دانش‌آموزان می‌خواهد تفاوت بین فعل‌های این سه جمله را بیان کنند.
اگر دانش‌آموزان توانستند چه بهتر و گرنه معلم با توضیحات خود تفاوت بین فعل‌ها را در زمان گذشته و حال و آینده بیان می‌کند. مثلاً با پرسش «چه وقت؟ کی؟» می‌توان به اختلاف این سه جمله پی برد.
مریم کی به مسافرت رفت؟

☐ دیروز

☐ امروز

☐ فردا

۳- مرحله سوم: آشنایی با مفهوم فعل در زبان عربی با استفاده از المعجم

از آنجا که استفاده از کتاب در آموزش و تدریس نقش بسزایی دارد و معلّم باید دانش آموز را با کتاب و مطالب آن مأنوس سازد، بعد از استفاده از زبان فارسی به عنوان ارزشیابی تشخیصی، اکنون نوبت ادامه تدریس و پی گیری مطالب در کتاب است. ابتدا از المعجم شروع می کنیم.

المُعْجَم : واژه نامه

جَاءَ : آمد	جَلَسَ : نشست	جَمَعَ : جمع کرد
ذَهَبَ : رفت	رَجَعَ : برگشت	سَأَلَ : پرسید، خواست
سَمِعَ : شنید	شَرِبَ : نوشید	طَرَقَ : کوبید
فَتَحَ : باز کرد	فَعَلَ : انجام داد	كَانَ : بود
كَتَبَ : نوشت	لِأَنَّ : زیرا	لَعِبَ : بازی کرد
لِمَاذَا : برای چه، چرا	ماء : آب	وَاجِبَ : تکلیف

در المعجم این درس (۱۱) چهار فعل وجود دارد مثلاً معلّم در تدریس کلمات و تکرار و تمرین آنها چنین بیان می کند.

«جاء» یعنی : آمد

و «آمد» در زبان فارسی یک فعل است که هم نشان دهنده انجام کاری است و هم می توانیم آن را صرف کنیم. یعنی : آمدم، آمدی، آمد، آمدم، آمدید، آمدند.

بنابراین «جاء» در زبان عربی نیز یک فعل است.

«جَلَسَ» یعنی : نشست

و «نشست» در زبان فارسی یک فعل است آیا شما می توانید فعل نشست را صرف کنید؟

و به همین ترتیب معلّم زمینه آشنایی دانش آموزان را با فعل، فراهم می کند.

و با استفاده از کتاب، مطالب و مفاهیم درسی را به هم پیوند می دهد.

۴- مرحله چهارم: آشنایی با مفهوم فعل در ساختار جمله با کمک متن کتاب

در این قسمت، معلم با استفاده از کتاب یا تابلو، پاورپوینت، اسلاید و... توجه دانش آموزان را به متن کتاب جلب می کند و از آن می خواهد در جملات متن که قبلاً ترجمه شده اند، فعل ها را شناسایی کند.

الْأَبُ - مَنْ طَرَقَ الْبَابَ؟	الْوَلَدُ - صَدِيقِي، طَرَقَ الْبَابَ.
- هَلْ كَانَ مَعَ أُمِّهِ؟	- لَا؛ كَانَ مَعَ أَبِيهِ.
- مَاذَا سَأَلَتْ؟	- هُوَ سَأَلَ: «مَا هِيَ وَاجِبَاتُنَا؟»
- لِمَاذَا سَأَلَ هَذَا السُّؤَالَ؟	- لِأَنَّهُ كَانَ غَائِبًا.
- أَكَانَ مَرِيضًا؟	- لَا؛ ذَهَبَ إِلَى الْمُسَابَقَةِ.
- هَلْ هُمَا خَلَفَ الْبَابَ الْآنَ؟	- لَا؛ هُمَا ذَهَبَا إِلَى مَنْزِلِهِمَا.

مثلاً: من طرق الباب؟ (من: چه کسی)، (طرق: کوید)، (الباب: در)

ترجمه: چه کسی در را کوید؟

در این جمله ۳ کلمه وجود دارد. با کمک ترجمه بگوید کدام کلمه فعل است و چرا؟
(طرق) فعل است چون در فارسی هم به صورت فعل ترجمه شد و می توان آن را نیز صرف کرد؛

کویدم، کویدی، کوید و...

در ادامه مطلب

۵- مرحله پنجم (قرائن شناسی): آشنایی با فعل ماضی در زبان عربی با کمک قرائن

قرائن: کلماتی که با کمک آنها می توان فعل ها را دقیق و صحیح ترجمه کرد. اسم مفرد، مثنی و جمع

۱- اسم مذکر و مؤنث

۲- اسم اشاره

۳- ضمائر

۴- تصویر

ابتدا معلّم هریک از پیش‌سازمانده‌ها را که در دروس قبل خوانده است، یادآوری می‌کند.

فعل ماضی (۱)



هُم، سَأَلُوا الْمُعَلِّمَ.



هُمَا، كَتَبَا دَرَسَهُمَا.



هُوَ، شَرِبَ الْمَاءَ.

در اولین جمله «هو شرب الماء.» به همراه تصویر آمده است.

هر تصویر حداقل دو پیام را در خود دارد : ۱- مفرد بودن ۲- مذکر بودن.

ضمیر «هو» در عبارت فوق، از جمله قرائن است که علاوه بر مفرد بودن و مذکر بودن، مفهوم سوم یعنی «غایب بودن» را نیز در خود دارد.

یعنی همان مفهوم «مفرد، مذکر، غائب» بدون اینکه نیازی به اشاره صریح به آن باشد در قرائن مشاهده می‌کنیم. البته نیاز نیست معلّم روی آن تأکید کند که «شرب» مفرد مذکر غایب است. چون ذکر آن فعلاً از اهداف آموزشی درس محسوب نمی‌شود و هدف اصلی کتاب، درک و فهم و ترجمه است نه قواعد.

با کمک این دو قرینه مهم و پیش‌سازمان‌دهنده به دانش‌آموز می‌گوییم که «شرب» برای مفرد مذکر به کار می‌رود. اکنون در کنار این تصویر با تکرار و تمرین به تثبیت بیشتر مطلب می‌پردازیم و می‌گوییم :

هو جلس : او نشست

— هو كتب : او نوشت و...

و سپس از دانش‌آموزان می‌خواهیم کارهای مختلفی مانند، «نشستن، آمدن، رفتن، نوشتن و...»

را انجام دهند. و ما می‌گوییم :

هو جاء — هو كتب — هو جلس

هم چنین در «هما کتبا درسهما»

۶- مرحله معرفی الگو (الگوسازی) : با استفاده از جدول

او انجام داد	هِيَ فَعَلَتْ	هُوَ فَعَلَ
ایشان انجام دادند	هُمَا فَعَلْنَا هُنَّ فَعَلْنَ	هُمَا فَعَلَا هُمْ فَعَلُوا

در این مرحله که می‌تواند به نوعی جمع‌بندی هم محسوب می‌شود؛ در کنار ضمیر و تصویر آدمک‌ها، به شناسه‌ها که با رنگ قرمز متمایز شده‌اند اشاره می‌کنیم و از این جدول به عنوان الگو برای ترجمه فعل استفاده می‌کنیم به این معنا که برای ترجمه فعل باید به علامت (شناسه) آخر آن توجه کرد؛

معادل فارسی	شناسه عربی			
—	ت		—	
ند	نَ	وَا	تَا	لَا

۷- مرحله تکرار و تمرین

در این مرحله برای تثبیت یادگیری، فعل‌های مختلفی به دانش‌آموزان می‌دهیم تا ترجمه کنند. باید در طرح سؤالات دقت فراوان شود تا سؤال در چارچوب اهداف کتاب بر محوریت ترجمه باشد و سعی شود جواب‌ها فعلاً دو گزینه‌ای باشند و فعل‌ها با قرائتی همچون ضمایر، اسم مفرد، مثنی، جمع، مذکر و مؤنث همراه باشند. باید دانست طرح سؤالات دشوار و پیچیده به هیچ وجه از اهداف آموزشی کتاب نیست.

مثال :

- ۱- هو کتب : ☐ نوشت ☐ نوشتند
- ۲- کتبوا : ☐ نوشت ☐ نوشتند
- ۳- الطالبان خرجا : ☐ خارج شد ☐ خارج شدند
- ۴- هم شربوا : ☐ نوشیدند ☐ نوشید

مزیت‌های روش پیشنهادی :

اولاً: از زبان فارسی کمک گرفته‌ایم.

ثانیاً: از کتاب بهره برده‌ایم.

ثالثاً: مراحل آموزش را به ترتیب با کتاب هماهنگ کرده‌ایم.

و از بخش‌های معجم، متن، تصاویر و بدانیم بجا استفاده کرده‌ایم.

تمرین اوّل: تقویت مهارت ترجمه «جمله‌های دارای فعل ماضی غایب» با یادآوری پاره‌ای از مفاهیم درس‌های قبلی. این تمرین تلفیقی از اهداف آموزشی این درس و دروس ۱ تا ۱۰ است.

تمرین دوم: در روش تدریس فصل سوم اشاره شد که مجدداً ضمیر منفصل و متصل بازآموزی شود. در این تمرین نه تنها تمرینی بر صیغه‌های غایب درس ۱۱ صورت گرفته، بلکه به آموخته‌های پیشین نیز توجه لازم شده است.

تمرین سوم: ترجمه افعال ماضی در شش صیغه خوانده شده. لازم است در طراحی سؤالات امتحانی نیز این تمرین الگو واقع شود. نباید ترجمه فعل، بیرون از جمله خواسته شود.

تمرین چهارم: تمرینی بر مهم‌ترین هدف آموزشی درس صورت گرفته است. سعی شده است تا طراحی تمرین آسان باشد و دانش‌آموز در حل تمرین مفهوم درس را به درستی بیاموزد.

تمرین پنجم: روش اکتشافی یکی از شیوه‌های مؤثر در آموزش زبان است. فراگیر بین جملات عربی و فارسی مقایسه می‌کند و آنچه را دبیر می‌خواهد به او بگوید خودش کشف می‌کند و متوجه پاسخ سؤال می‌گردد.

دانش‌افزایی برای دبیر (نه برای دانش‌آموز)

- ۱- بَدَأَ، يَبْدَأُ، بَدْءًا: آغاز کرد
- ۲- «جَلَسَ» با «قَعَدَ» مترادف است.
- ۳- «جَمَعَ» یعنی «جمع کرد» ولی «اجْتَمَعَ» به معنای «جمع شد» است.
- ۴- «ذَهَبَ» و «رَاحَ» مترادف‌اند.^۱
- ۵- «رَجَعَ» و «عَادَ» مترادف‌اند.
- ۶- «سَأَلَ» فقط به معنای «سؤال کرد» نیست؛ بلکه به معنای «درخواست کرد» نیز می‌باشد. گاهی اشتباهاً در ترجمه فارسی به عربی حرف جرّ مِنْ می‌آورند؛ مثلاً «از تو می‌پرسم» را «أَسْأَلُ مِنْكَ» ترجمه می‌کنند؛ در حالی که «أَسْأَلُكَ» درست است و حرف جرّ مِنْ زائد است.
- در انگلیسی نیز چنین است؛ مثلاً: I ask you. یعنی: از تو می‌پرسم. یا از تو درخواست می‌کنم.

۱- خوب است بدانیم که در محاورات عامیانه «راح» به کار می‌رود؛ مثال: أين تذهب؟ < وین تروح؟

الدَّرْسُ الثَّانِي عَشَرَ

اهداف کلی

- ۱- آموختن ۱۴ کلمه جدید؛
- ۲- ترجمه متنی دارای افعال ماضی مخاطب؛
- ۳- آموزش مکالمه عربی؛
- ۴- آموزش معادل عربی دو جمله «تو انجام دادی.» و «شما انجام دادید.»؛
- ۵- آشنایی با فعل ماضی صیغه‌های فَعَلْتُ، فَعَلْتُمَا، فَعَلْتُمْ، فَعَلْتُ، فَعَلْتُمَا و فَعَلْتَنَّ.

اهداف رفتاری

- دانش آموز در پایان این درس باید بتواند :
- ۱- ۱۴ کلمه جدید این درس را از عربی به فارسی معنا کند.
 - ۲- هر یک از صیغه‌های «فَعَلْتُ، فَعَلْتُمَا، فَعَلْتُمْ، فَعَلْتُ، فَعَلْتُمَا و فَعَلْتَنَّ» را ترجمه کند.
 - ۳- یک متن به همراه فعل‌های ماضی را ترجمه کند.
 - ۴- دو فعل «انجام دادی» و «انجام دادید» را در فارسی و عربی مقایسه کند.
 - ۵- جمله‌های ساده دارای «فعل ماضی مخاطب» را از عربی به فارسی ترجمه کند.
 - ۶- مکالمه‌ای ساده در حد کاربرد اسماء استفهام أَيْنَ، كَيْفَ، لِمَاذَا را انجام دهد.

تحلیل درس

مؤلفان از درس ۱۲ به بعد شیوه کتاب را تغییر داده اند. اکنون متن های زیبا زینت بخش کتاب می شوند. متن درس مکالمه است که علاوه بر مهارت «سخن گفتن» اهداف آموزشی درس را نیز پشتیبانی می کند.

الْأُسْرَةُ النَّاجِحَةُ : خانواده موفق

السَّيِّدُ زَارِعِي فَلَّاحٌ وَ زَوْجَتُهُ فَلَّاحَةٌ. هُمَا سَاكِنَانِ مَعَ أَوْلَادِهِمَا فِي قَرْيَةٍ. عَارِفٌ أَكْبَرُ مِنَ الْأَخَوَيْنِ وَ سُمَيَّةُ أَكْبَرُ مِنَ الْأَخْتَيْنِ. هُمُ أُسْرَةٌ نَاجِحَةٌ. بَيْتُهُمْ نَظِيفٌ وَ بُسْتَانُهُمْ مَمْلُوءٌ بِأَشْجَارِ الْبُرْتُقَالِ وَ الْعِنَبِ وَ الزُّمَانِ وَ التَّفَاحِ.

آقای زارعی کشاورز و همسرش نیز کشاورزست. ایشان با فرزندان شان در روستا زندگی می کنند. (ساکن هستند، سکونت می کنند) عارف از برادرها و سمیه از خواهرها بزرگ تر است. ایشان خانواده ای موفق هستند. خانه شان پاکیزه و باغشان پر از درختان پرتقال، انگور، انار و سیب است.

حِوَارٌ بَيْنَ الْوَالِدِ وَ الْأَوْلَادِ : گفت و گویی میان پدر و پسران

الوالد : أَتَيْنَ ذَهَبْتَ يَا عَارِفُ؟ عارف : إِلَى بَيْتِ الْجَدِّ وَ الْجَدَّةِ مَعَ صَاحِقٍ وَ حَامِدٍ.

پدر : ای عارف کجا رفتی؟ عارف : به خانه پدر بزرگ و مادر بزرگ همراه با

صادق و حامد.

الوالد : كَيْفَ رَجَعْتُمَا يَا صَاحِقُ وَ يَا حَامِدُ؟ الْأَخَوَانِ : بِالسَّيَّارَةِ.

پدر : ای صادق و حامد چگونه بازگشتید؟ دو برادر : با اتومبیل.

الوالد : لِمَاذَا ذَهَبْتُمَا أَيُّهَا الْأَوْلَادُ؟ الْإِخْوَةُ : لِمُسَاعَدَةِ جَدِّنَا فِي جَمْعِ الْمَحْصُولِ.

پدر : ای پسرها چرا رفتید؟ برادرها : برای کمک به پدر بزرگمان در جمع آوری محصول.

حِوَارٌ بَيْنَ الْوَالِدَةِ وَ الْبَنَاتِ : گفت و گویی میان مادر و دختران.

الوالدة : أَتَيْنَ ذَهَبْتَ يَا سُمَيَّةُ؟ سُمَيَّةُ : إِلَى بَيْتِ الْجَدَّةِ وَ الْجَدِّ مَعَ شَيْمَاءَ وَ تَرْجِسَ.

مادر : ای سمیه کجا رفتی؟ سمیه : به خانه پدر بزرگ و مادر بزرگ همراه با شیماء و نرگس.

الوالدة : كَيْفَ رَجَعْتُمَا يَا شَيْمَاءُ وَ يَا تَرْجِسُ؟ الْأَخْتَانِ : بِالسَّيَّارَةِ.

مادر : ای شیماء و نرگس چگونه برگشتید؟ دو خواهر : با اتومبیل.

الوالدة : لِمَاذَا ذَهَبْتُنَّ أَيُّهُمَا الْبَنَاتُ؟ الْأَخَوَاتُ : لِمُسَاعَدَةِ جَدَّتِنَا فِي نَظَافَةِ الْمَنْزِلِ.

مادر : ای دخترها چرا رفتید؟ خواهرها : برای کمک به مادر بزرگمان در نظافت خانه.

پس از متن فوق، شش جمله مصور به منظور آموزش مفاهیم اصلی درس طراحی شده اند؛ تا

فراگیر با خواندن آنها و توجه به تصاویر به شیوه‌ای درست فعل‌های مخاطب را یاد بگیرد.

هدف مؤلفان این نیست که دانشی آموزان همه دوازده صیغه غایب و مخاطب را در دو درسی بیاموزند؛ بلکه نیمه دوم کتاب آموزشی افعال ماضی است. در حقیقت آموزشی فعل ماضی طی ده درسی صورت می‌گیرد.

بدانیم

هدف آموزشی این درس جدول زیر است :

تو انجام دادی	أَنْتِ فَعَلْتَ	أَنْتَ فَعَلْتَ
شما انجام دادید	أَنْتُمَا فَعَلْتُمَا أَنْتُنَّ فَعَلْتُنَّ	أَنْتُمَا فَعَلْتُمَا أَنْتُمْ فَعَلْتُمْ

هدف این درس آشنایی با معادل ترجمه دو جمله «تو انجام دادی.» و «شما انجام دادید.» در زبان عربی می‌باشد.

لذا شش جمله دارای صیغه‌های مخاطب و با فعل‌های کاربرد در ابتدای درس به صورت مصور طراحی شده اند.

فَنِّ ترجمه

از آنجاکه «یا اَیُّهَا» و «یا اَیُّهَا» دو کلمه پرسیامد در زبان عربی هستند. بخشی برای تفهیم این دو کلمه در این درس در نظر گرفته شده است. «یا اَیُّهَا» برای مذکر و «یا اَیُّهَا» برای مؤنث و هر دو به معنای «ای» هستند و گاهی حرف «یا» حذف می‌شود؛ مثال : یا اَیُّهَا الْوَلَدُ وَ یا اَیُّهَا الْبِنْتُ. اَیُّهَا الْوَلَدُ وَ اَیُّهَا الْبِنْتُ.

به پیروی از شیوه دروس قبلی برای تفهیم مطلب تمریناتی نیز تنظیم شده است.



تمرین اوّل : هدف ترجمه عربی به فارسی عباراتی است که صیغه‌های ماضی مخاطب در آنها طُرّاحی شده است. روان خوانی و ترجمه از عربی به فارسی دو هدف این تمرین می‌باشد.

تمرین دوم : روان خوانی و تشخیص فعل ماضی در کنار ترجمه عربی به فارسی اهداف آموزشی این تمرین است.

تمرین سوم : هدف این تمرین، تقویت آموخته‌های دانش آموز درباره فعل ماضی است.

تمرین چهارم : تلفیق آموخته‌های پیشین، هدف آموزشی این تمرین است. **مانند همیشه ترجمه از فارسی به عربی مدّ نظر نیست و از دانش آموز نمی‌خواهیم جمله بسازد؛ اما توانایی تشخیص را از او می‌خواهیم.** او باید بتواند تشخیص دهد با توجّه به قرینه فعل ماضی و ضمیر متّصل چه ضمیر منفصلی را انتخاب کند.

تمرین پنجم : هدف تقویت مهارت ترجمه در یک طُرّاحی متفاوت است.

تمرین ششم : هدف، کار پژوهشی گروهی یا فردی است. دبیر بنابر تشخیص خود، این تحقیق را در قالب یک کار گروهی یا فردی در کلاس اجرا می‌کند.

دانش افزایی برای دبیر (نه برای دانش آموز)

- ۱- در «با آیها» منادا «آی» است.
 - ۲- «نُفّاح» اسم جنس به معنای «سیب»، واحدش «نُفّاحه» و جمع آن «نُفّاحات» است.
 - ۳- جمع «عَنْب»، «أَعْنَاب» است.
 - ۴- فَلَاح، زارع و مُزارع هر سه به معنای کشاورزند.
 - ۵- فعل «سَمَحَ» کلمه‌ای پر کاربرد است.
 - إِسْمَحْ لي : به من اجازه بده. مَسْمُوح : مُجاز. لَوْ سَمَحْتَ : اگر اجازه می‌دادید.
 - ۶- در متن درس با دو کلمه «الأَخَوَيْنِ» و «الأُخْتَيْنِ» مواجه شدید.
- شاید گفته شود بهتر بود که این دو کلمه به صورت «أَخَوِيَّه» و «أُخْتِيَّه» می‌آمد؛ اما از آنجا که حرف نون مثنی به دلیل مضاف واقع شدن از این دو کلمه حذف می‌شود؛ لذا این دو واژه به منظور تسهیل، در حالت غیر مضاف به کار رفته‌اند.

الدَّرْسُ الثَّالِثُ عَشَرَ

اهداف کلی

- ۱- آموختن ۲۱ کلمه جدید؛
- ۲- ترجمه متنی دارای افعال ماضی متکلم؛
- ۳- آموزش مکالمه به زبان عربی؛
- ۴- آموزش معادل عربی دو جمله «من انجام دادم.» و «ما انجام دادیم.»؛
- ۵- آشنایی با فعل ماضی صیغه‌های فَعَلْتُ و فَعَلْنَا.

اهداف رفتاری

- دانش آموز در پایان این درس باید بتواند :
- ۱- ۲۱ کلمه جدید این درس را معنا کند.
 - ۲- هر یک از صیغه‌های «فَعَلْتُ» و «فَعَلْنَا» را ترجمه کند.
 - ۳- دو فعل «انجام دادم» و «انجام دادیم» را در فارسی و عربی مقایسه کند.
 - ۴- جمله‌های ساده دارای «فعل ماضی متکلم وحده» را از عربی به فارسی ترجمه کند.
 - ۵- جمله‌های ساده دارای «فعل ماضی متکلم مع الغير» را از عربی به فارسی ترجمه کند.
 - ۶- مکالمه‌ای ساده در حد کاربرد چند کلمه استفهامی را انجام دهد.

تحلیل درس

اگرچه این درس با یک متن شروع شده، ولی علاوه بر تقویت مهارت ترجمه، هم زمان هدف دیگری را نیز تعقیب می‌کند که آموزش مکالمه است. گفت‌وگو در بازار بزرگ نجف (سوق النجف الکبیر) انجام می‌شود. کلمات پرکاربرد در متن گنجانده شده است. پس از پایان مکالمه، چهار جمله مصور برای آموزش فعل ماضی متکلم طراحی شده است. هرچند در متن درس نیز عملاً این هدف گنجانده شده است.

بدانیم

هدف آموزشی درس در جدول زیر طراحی شده است.
هدف یادگیری معادل دو جمله فارسی «من انجام دادم.» و «ما انجام دادیم.» در عربی است.

من انجام دادم	أَنَا فَعَلْتُ	أَنَا فَعَلْتُ
ما انجام دادیم	نَحْنُ فَعَلْنَا نَحْنُ فَعَلْنَا	نَحْنُ فَعَلْنَا نَحْنُ فَعَلْنَا

فَنَ ترجمه

هدف بخش «فَنَ ترجمه» در این درس این است که دانش‌آموز بیاموزد :
دو فعل ماضی «فَعَلْتُ» و «فَعَلْنَا» برای مذکر و مؤنث یکسان به کار می‌رود؛ مثال :
الْوَلَدُ : «أَنَا رَجَعْتُ.» الْبِنْتُ : «أَنَا رَجَعْتُ.»
الْأَوْلَادُ : «نَحْنُ جَلَسْنَا.» الْبَنَاتُ : «نَحْنُ جَلَسْنَا.»

التَّمارينُ

تمرین اول : توانایی تشخیص فعل ماضی در جمله‌های کوتاه و ساده و ترجمه آنها از عربی به فارسی.

تمرین دوم : توانایی ترجمهٔ جملات دارای فعل ماضی در ضمن روان خوانی.
 تمرین سوم : توانایی تشخیص فعل مناسب در جملهٔ عربی با توجه با قرائن.
 تمرین چهارم : تقویت ذخیرهٔ واژگانی دانش آموز به وسیلهٔ حل جدول کلمات متقاطع دارای رمز «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ» که سخنی از پیامبر اسلام ﷺ است.
 در هر چهار تمرین، تکرار کلمات مهم دروس قبل از اهداف است. به ویژه در تمرین چهارم برخی واژه‌ها که در دروس قبل کمتر تکرار شده تحت پوشش قرار گرفته‌اند.

دانش‌افزایی برای دبیر (نه برای دانش آموز)

- ۱- «أَخَذَ» سه معنا دارد : گرفت، برداشت و بُرد؛ مثال :
 خُذْنِي مَعَكَ : مرا با خودت ببر. خُذْ يَدِي : دستم را بگیر. خُذْ حَقِيبَتَكَ : کتف را بردار.
- ۲- «اشْتَرَى : خرید» در مقابل «باعَ : فروخت» است. مصدر آن «اشْتَرَاء» است که اغلب «شراء» جایگزین آن می‌شود.
- ۳- «سِرْوَال» معرَب کلمهٔ فارسی «شلوار» است.
 «بَنْطَلُون» نیز به معنای «شلوار» است که معرَب ایتالیایی است؛ اما از آنجا که «سِرْوَال» ریشهٔ قرآنی دارد؛ ترجیح داده شد واژهٔ «سِرْوَال» بیاید.
 البته در قرآن سَرَابِل آمده که جمع سِرْبَال است.
- سورهٔ ابراهیم آیهٔ ۵: ﴿سَرَابِلُهُمْ مِّنْ قَطِرَانٍ وَتَغْشَىٰ وُجُوهُهُمُ النَّارُ﴾ جامه‌هایشان از قطران (روغن تند بدبوی قابل اشتعال) است و آتش چهره‌هایشان را فرو پوشانده است.
- ۴- جمع «سوق»، «أسواق» است؛ اما «سوق» به معنای «راندن» و «راندگی کردن» است.
 کلمهٔ سَوَق sooq به معنای بازار را برخی اشتباهاً سَوَق sawq تلفظ می‌کنند.
 همین اشتباه در مورد حِينَ hina و عِيد id نیز صورت می‌گیرد.
- ۵- کلمهٔ «عِبَاءَةٌ» در محاورات «عِبَايَة» تلفظ می‌گردد.
- ۶- «عَلِمَ» و «رَايَة» مترادف‌اند.
- ۷- جمع «فُستاتَن»، «فَسَاتِين» است و معرَب فارسی است.
- ۸- جمع «قَمِيص»، «قُمَصَان» یا «أَقْمِصَة» است.
- ۹- «مَلَابِس» و «ثِيَاب» مترادف‌اند. «مَلَابِس» جمع «مَلْبَس» است.

الدَّرْسُ الرَّابِعُ عَشَرَ

اهداف کلی

- ۱- آموختن ۲۷ کلمه جدید؛
- ۲- قرائت و ترجمه یک متن دارای افعال ماضی پرپیامد؛
- ۳- آشنایی با آهنگ فعل ماضی در عربی؛
- ۴- آشنایی با افعال ماضی پر کاربرد.

اهداف رفتاری

- دانش آموز در پایان این درس باید بتواند :
- ۱- ۲۷ کلمه جدید این درس را از عربی به فارسی معنا کند.
- ۲- یک متن کوتاه عربی را به فارسی ترجمه کند.
- ۳- سه آهنگ فَعْلَ، فَعِلَ و فَعَّلَ را در فعل های ماضی تشخیص دهد.
- ۴- فعل های ماضی را در جمله تشخیص دهد.
- ۵- جمله های ساده دارای «صیغه های چهارده گانه فعل ماضی» را از عربی به فارسی ترجمه کند.

تحلیل درس

در نیمه دوم کتاب مؤلفان شیوه را تغییر داده‌اند. اکنون دیگر می‌توان متن‌های کوتاه آورد. این کار در نیمه اول کتاب امکان پذیر نبود. اینک دانش‌آموز بیش از صد کلمه می‌داند و با ساختار زبان عربی آشنا شده است. در دل متن مجدداً احادیثی آمده است. این شیوه یادآور روش آغازین کتاب است. اما این بار نگاشت کتاب زیباتر و بهتر انجام شده است. متن «الجملات الذهبية» به گونه‌ای تنظیم شده که افعال پرکاربرد ماضی داشته باشد. فعل‌های به کار رفته بر مبنای پر کاربردترین فعل‌های زبان عربی است. امثال به کار رفته نیز سراسر حکمت و پند هستند.

كَانَ يَاسِرٌ مَعَ أَصْدِقَائِهِ. هُمْ لَعِبُوا فِي الْمَدْرَسَةِ. رَجَعَ يَاسِرٌ إِلَى الْبَيْتِ بَعْدَ الظُّهْرِ. هُوَ طَرَقَ بَابَ الْمَنْزِلِ. سَمِعَتْ أُمُّهُ صَوْتَ الْبَابِ ثُمَّ ذَهَبَتْ وَفَتَحَتِ الْبَابَ وَسَأَلَتْهُ: يَاسِرُ هَمْرَاهُ دُوسْتَانَش بود. آنها در مدرسه بازی کردند. یاسر بعد از ظهر به خانه برگشت. او به در خانه زد. مادرش صدای در را شنید؛ سپس رفت و در را باز کرد و از او پرسید:

«كَيْفَ حَالُكَ؟» أَجَابَ الْوَلَدُ: «أَنَا بِخَيْرٍ.» حالت چطور است؟ پسر جواب داد: من خوبم. شَرِبَ الْوَلَدُ الْمَاءَ وَجَلَسَ لِلِاسْتِرَاحَةِ. ثُمَّ فَتَحَ حَقِيبَتَهُ وَبَدَأَ يَقْرَأَةَ الدَّرْسِ. پسر آب نوشید و برای استراحت نشست. سپس کیفش را باز کرد و شروع به خواندن درس و نوشتن تکالیف مدرسه کرد.

سَأَلَتْ أُمُّهُ: «مَا هِيَ وَاجِبَاتُكَ؟» مادرش پرسید: تکالیفت چیست؟ أَجَابَ يَاسِرٌ: «حَفِظْتُ هَذِهِ الْجُمَلَاتِ الدَّهَبِيَّةَ.» یاسر جواب داد: حفظ این جمله‌های طلایی. «إِذَا مَلَكَ الْأَرَاذِلُ هَلَكَ الْأَفَاضِلُ.» هرگاه فرومایگان فرمانروا شدند (شوند)؛ شایستگان هلاک شدند (می‌شوند).

«مَنْ زَرَعَ الْعُدْوَانَ؛ حَصَدَ الْخُسْرَانَ.» هر کس دشمنی کاشت (بکارد)؛ زیان درو کرد. (درو می‌کند، برداشت کرد، برداشت می‌کند) «التَّجَرِبَةُ فَوْقَ الْعِلْمِ.» تجربه بر فراز علم است. تجربه بر فراز علم بالاتر است. «خَيْرُ النَّاسِ أَنْفَعُهُمْ لِلنَّاسِ.» بهترین مردم سودمندترین آنها برای مردم است. «الْمُسْلِمُ، مَنْ سَلِمَ النَّاسُ مِنْ لِسَانِهِ وَيَدِهِ.» مسلمان کسی است که مردم از زبانش و دستش سالم بمانند. (در امان باشند).

«لِسَانُ الْمُقْصِرِ قَصِيرٌ.» زبان مقصر، کوتاه است. پس از «الجملات الذهبية» فعل‌های پرکاربرد ماضی در درس معرفی شده است.

دانش‌آموز تا اینجا با بیش از چهل فعل ماضی آشنا شده است. در این درس آهنگ تلفظ آنها را در سه گروه فَعَلَ، فَعِلَ و فَعَّلَ می‌بیند. هدف آموزش وزن نیست؛ فقط یک زمینه سازی برای شروع بحث وزن در سال‌های آینده است.

آنچه را دبیر عربی در کلاس باید کار کند «فعل ماضی ثلاثی مجرد صحیح و سالم» است و در این میان، فعل‌هایی مانند بَقِيَ، اِسْتَرَى، قَالَ، اَعْطَى، رَأَى و كَانَ از اهداف آموزشی نیستند. شناخت فعل‌های صحیح و سالم از اهداف آموزشی است. شناخت فعل‌های معتل، مضاعف و مهموز مربوط به سال‌های آینده است.

کتاب «صحیح و معتل» چاپ انتشارات مدرسه پاسخگوی دبیر عربی در زمینه سؤالات مختلف درباره افعال است. در این کتاب راجع به نَحْت، ابدال، قلب، اعلال و بسیاری از ویژگی‌های خاص افعال بحث شده است.

فَنِّ ترجمه

هر یک از دو جمله زیر را به دو صورت می‌توان ترجمه کرد و هر دو هم درست است.

۱- إِذَا مَلَكَ الْآرَازِلُ؛ هَلَكَ الْآفَاضِلُ. الف. هرگاه پست‌ها فرمانروا شوند، برترها هلاک می‌شوند.
ب. هرگاه پست‌ها فرمانروا شدند، برترها هلاک شدند.

۲- مَنْ زَرَعَ الْعَدُوَانَ؛ حَصَدَ الْخُسْرَانَ. الف. هرکس دشمنی بکارد، زیان درو می‌کند.
ب. هرکس دشمنی کاشت، زیان درو کرد.

هرچند شاید بهتر باشد که فعل ماضی را مضارع معنا کرد؛ اما ترجمه ماضی نیز غلط نیست. از سویی دانش‌آموز در سال نخست آموزش قرار دارد و پرداختن به ظرایف زبانی در این مرحله لازم نیست. همین اندازه که فراگیر بداند هر دو ترجمه درست است و داوری را در گزینش ترجمه بهتر بر عهده او بگذاریم کافی است.

ورود به بحث ادوات شرط مطلقاً از اهداف کتاب نیست.

برای یادگیری موضوع مورد بحث تمرینی در این خصوص طراحی شده است.

تمرین اوّل : اکنون این تمرین موضوعیت دارد؛ زیرا دانش‌آموز به اندازه کافی مترادف و متضاد خوانده است. اینک می‌تواند با چنین تمرینی مواجه گردد. از سویی از آنجا که برای دانش‌آموز سال اوّل یافتن مترادف و متضاد کاری دشوار است؛ طرّاحی تمرین ساده است. او تنها کافی است علامت مساوی یا نامساوی بین دو کلمه بگذارد. اما لازم است که در کلاس درس کلمات مترادف و متضاد ترجمه شوند تا دانش‌آموزان بدانند چرا کلمات، مترادف یا متضادند.

أَجَابَ ... سَأَلَ	جواب داد # سؤال کرد	عُدَّوَان ... عَدَاوَة	دشمنی دشمنی
رَجَعَ ... ذَهَبَ	برگشت # رفت	جَاهِل ... عَالِم	نادان # دانا
رَخِيصَة ... غَالِيَة	ارزان # گران	أَفْضَل ... خَيْر	بهترین بهترین
عُدَّوَان ... صَدَاقَة	دشمنی # دوستی	خَرَجَ ... دَخَلَ	خارج شد # داخل شد
بَارِد ... حَار	سرد # گرم	خَلْفَ ... وَرَاء	پشت پشت
أَرَادِل ... أَفْاضِل	فرومایگان # شایستگان	بِدَايَة ... نِهَايَة	آغاز # پایان

تمرین دوم : کلمه ناهماهنگ در هر مجموعه کدام است؟ چرا؟

- ۱- عَلمَ ☒ أَخْتُ ☐ أَخ ☐ وَالِد ☐ وَالِدَة ☐ پرچم، خواهر، برادر، پدر، مادر
- ۲- رَأْس ☐ يَد ☐ مَاء ☒ وَجْه ☐ لِسَان ☐ سر، دست، آب، صورت، زبان
- ۳- قَمِيص ☐ فُسْتَان ☐ جَوَال ☒ عَبَاءَة ☐ سِرْوَال ☐

پیراهن، پیراهن زنانه، موبایل، چادر، شلوار

- ۴- قَصِير ☒ نَافِذَة ☐ بَاب ☐ جِدَار ☐ غُرْفَة ☐ کوتاه، پنجره، در، دیوار، اتاق
- ۵- أَفْضَل ☐ أَنْفَع ☐ أَحَب ☐ أَقْدَام ☒ أَكْبَر ☐

برترین، سودمندترین، محبوب‌ترین، پاها، بزرگ‌ترین

صفت‌های جمله شماره ۵ را می‌شود صفت تفضیلی نیز معنا کرد : برتر، سودمندتر، محبوب‌تر،

پاها، بزرگ‌تر

تمرین سوم : این تمرین ترکیبی از کلّ مفاهیم اصلی کتاب است و فقط در باره فعل ماضی نیست؛ بلکه هر آنچه را دانش‌آموز در دروس قبل آموخته است، در اینجا تمرین می‌کند. تنها فصل

دوم که دربارهٔ حروف و اسماء استفهام است در این تمرین تکرار نشده است. تمرین مزین به تصاویر شده است تا علاوه بر زیبایی کتاب از طریق تصویر، ترجمه بهتر صورت بگیرد. در تمرین چهارم تصویر خواجه نصیرالدین توسی^۱ آمده است.

دانش افزایی برای دبیر (نه برای دانش آموز)

۱- «إِذَا : هرگاه، اگر»

در قرآن إِذَا به معنای هرگاه است؛ ولی در گفت و گوهای روزمرهٔ عربی إِذَا به معنای اگر است.

۲- بَحَثَ عَنْ ... «... را جست و جو کرد»، «دنبال ... گشت»

حرف جَزَ «عَنْ» در ترجمهٔ فارسی حذف می شود.

۳- «حَصَدَ : درو کرد»

مضارع آن به دو صورت صحیح است : يَحْصِدُ و يَحْصُدُ. مصدر آن نیز حَصَاد، حَصَاد و حَصَد است.

۴- «قَرَّبَ مِنْ : نزدیک شد به»

در این فعل حرف جَزَ «مِنْ» ترجمه نمی شود. «قَرَّبْتُ مِنْهُ» یعنی به او نزدیک شدم.

۵- «هَلَكَ» و «مَاتَ» هر دو به معنای «مُرد» هستند؛ اما یک فرق دارند؛ هَلَكَ یعنی مَاتَ مَيِّتَةً

سوء.

۶- أَجَابَ : جواب داد (يُجِيبُ، إِجَابَةً) أَجَابَ سؤَالَهُ. عَنْ سؤَالِهِ و إِلَى سؤَالِهِ : به پرسش او پاسخ گفت.

۱- ابو جعفر محمد توسی مشهور به خواجه نصیرالدین (زادهٔ ۵ اسفند ۵۷۹ در توس - درگذشتهٔ ۱۱ تیر ۶۵۳ در بغداد) فیلسوف، متکلم، فقیه، دانشمند، ریاضیدان و ستاره شناس ایرانی سدهٔ هفتم است. وی یکی از سرشناس ترین شخصیت های تاریخ جریان های فکری اسلامی است. در زمان حمله مغول به ایران نزد ناصرالدین، محتشم قهستان، به کارهای علمی خویش مشغول شد. در همین زمان اخلاق ناصری را نوشت. پس از مدتی به نزد اسماعیلیان در دژ الموت نقل مکان کرد؛ اما پس از حملهٔ هلاکوخان مغول و پایان یافتن فرمانروایی اسماعیلیان (۶۳۵ ه.خ) هلاکو، نصیرالدین را مشاور و وزیر خود ساخت، تا جایی او که هلاکو را به حمله به بغداد و سرنگونی عباسیان یاری نمود. خواجه نصیرالدین طوسی در ۶۷۲ (قمری) هجری قمری وفات یافت و در کاظمین دفن گردید. او در مراغه رصدخانه ای ساخت و کتابخانه ای پدید آورد که نزدیک چهار هزار جلد کتاب در آن بود. او با پرورش شاگردانی (همچون قطب الدین شیرازی) و گردآوری دانشمندان ایرانی عامل انتقال تمدن و دانش های ایران پیش از مغول به آیندگان شد.

الدَّرْسُ الْخَامِسَ عَشَرَ

اهداف کلی

- ۱- آموختن ۲۰ کلمه جدید؛
- ۲- ماضی منفی؛
- ۳- آموزش مکالمه عربی؛
- ۴- دوره‌ای بر فعل ماضی.

اهداف رفتاری

- دانش‌آموز در پایان این درس باید بتواند :
- ۱- ۲۰ کلمه جدید این درس را از عربی به فارسی معنا کند.
 - ۲- فعل ماضی را با حرف «ما» منفی کند.
 - ۳- فعل‌های ماضی را در جمله تشخیص دهد.
 - ۴- جمله‌های ساده‌ای دارای «صیغه‌های چهارده گانه فعل ماضی» را از عربی به فارسی ترجمه کند.
 - ۵- در حد آموخته‌های این درس، به عربی تکلم کند.

تحلیل درس

آغاز درس مکالمه‌ای تلفنی در مرز مهران در استان ایلام است.^۱
هدف آموزشی این متن تقویت مهارت سخن گفتن است.

بدانیم

منفی کردن فعل ماضی با حرف «ما» انجام می‌شود.
فهم این مطلب برای دانش‌آموز دشوار نیست؛ زیرا هیچ تغییری در فعل ماضی پیش نمی‌آید.

الْتَمَارِينُ

تمرین اول: ترجمه جمله‌های دارای فعل ماضی که سه جمله نخست آیات شریفه کلام الله مجید است. هدف آموزشی، ترجمه جمله‌های دارای فعل ماضی است. هرچند جمله «صدرُ العاقلِ صُنْدُوْقُ سِرِّهِ» فعل ماضی ندارد؛ ولی به لحاظ ارزشی دارای پیام است.
تمرین دوم: این تمرین نخستین بار است در کتاب طُرَاحی شده است. تمرین جور کردنی همیشه مورد علاقه دانش‌آموزان بوده است؛ زیرا تمرینی ساده و لذت‌بخش است. حل این تمرین باید همراه با ترجمه آن باشد.

ب	الف
مَرْزَعَةُ الْآخِرَةِ	الْفُسْتَانُ
كَثْرُ	الْعِلْمُ
مِنْ مَلَأِيسِ النِّسَاءِ	الدُّنْيَا
أَفْهَ الْعِلْمِ	الصَّلَاةُ
مِفْتَاحُ الْعِلْمِ	النَّسِيَانُ
عَمُودُ الدِّينِ	السُّؤَالُ

۱- خوب است بدانید برای سفر به کربلا چند مسیر وجود دارد: شلمچه در استان خوزستان، مرز مهران در استان ایلام و مرز خسروی در استان کرمانشاه.
این گفت‌وگو در مرز مهران است.

الفستان من ملابس النساء. فستان (پیراهن) از لباس‌های بانوان است.

العلم كنزٌ. دانش گنج است.

الدُّنْيَا مَرْعَةٌ الْآخِرَةُ. جهان کشتزار آخرت است. یا دنیا مزرعه آخرت است.

الصلاة عمود الدين. نماز ستون دین است.

النسيان آفة العلم. فراموشی آفت علم است.

السؤال مفتاح العلم. پرسیدن کلید دانش است.

تمرین سوم: دوره‌ای است بر درس ۹ و ۱۰ (ضمیرهای منفصل و متصل) و درس ۱۱ تا ۱۵

(فعل ماضی) همراه با تکرار برخی واژگان پرکاربرد در جملات.

هدف آموزشی این تمرین تقویت مهارت خواندن و شنیدن و ترجمه عربی به فارسی است.

دانش افزایی برای دبیر (نه برای دانش آموز)

۱- اِلَهَة : جمع إله است. در رسم الخطّ اَوَّلِيَه قرآن حروف کشیده واو و الف و یاء نمایش داده نمی‌شد. بعدها این سه حرف افزوده شد. برخی کلمات بنابر شهرت با همان رسم الخطّ قدیمی نوشته می‌شوند و حرف الف در آنها نوشته نمی‌شود؛ مانند: هذا، رحمن، إله، ذلک

۲- بَقِيَّ : ماند. به معنای «جا ماند» نیز است.

أَحَدُ الْحَجَّاجِ بَقِيَّ فِي أُحُدٍ. یکی از حاجی‌ها در اُحُد جا مانده است.

۳- حُدُود جمع حَدّ است. هرچند جمع است، ولی می‌شود آن را «مرز» ترجمه کرد.

۴- لَبِيسَ، يَلْبَسُ، لُبَسًا الثَّوْبُ : جامه را پوشید.

(امکان دارد با این فعل اشتباه شود: لَبَسَ، يَلْبَسُ، لُبَسًا عَلَيْهِ الأَمْرُ : کار را بر او درهم و برهم و

با مشتبّه کردنش به چیز دیگری پوشانیده ساخت.) ﴿لَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ﴾ حق را با باطل درهم

میانمیزید. بقره: ۴۲

۵- «حَفِظَ» فعل ماضی و به معنای «حفظ کرد» است. گاهی فعل ماضی و مضارع معنای دعا

دارد؛ مثال: اللَّهُ يَحْفَظُكَ! حَفِظَكَ اللَّهُ! خدا شما را حفظ کند!

حرف نفی «ما» فقط بر سر ماضی نمی‌آید؛ بر سر مضارع نیز می‌آید؛

مثال: ﴿مَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ﴾

۶- از آنجا که زیر حرف سین در «نَسِي» کسره وجود دارد؛ برخی آن را اشتباه تلفّظ می‌کنند. در

«هِيَ» و کلمات مشابه نیز گاهی چنین چیزی رخ می‌دهد. علّت این اشتباه این است که در زبان فارسی اگر

زیر حرفی کسره باشد و بعد از آن یاء کشیده بیاید؛ آن کسره، تلفّظ می‌گردد، ولی در عربی چنین نیست.

ضمناً کلمه «نَسِي» علاوه بر معنای «فراموش کرد» به معنای «جا گذاشت» نیز است؛ مثال: نَسِيتُ حَقِيبَتِي

فِي الطَّائِرَةِ. کیفم را در هواپیما جا گذاشتم.

۷- «وَقَعَ» و «سَقَطَ» مترادف اند.

الدَّرْسُ السَّادِسُ عَشَرَ

اهداف کلی

- ۱- آموختن ۲۸ کلمه جدید؛
- ۲- روان خوانی یک متن به زبان عربی؛
- ۳- آموزش نام روزهای هفته و نام چهار فصل؛
- ۴- آموزش نام رنگ ها.

اهداف رفتاری

- دانش آموز در پایان این درس باید بتواند :
- ۱- ۲۸ کلمه جدید این درس را معنا کند.
 - ۲- متن درس را صحیح و روان قرائت کند.
 - ۳- متن درس را به فارسی ترجمه کند.
 - ۴- به سؤالات درک و فهم متن پاسخ کوتاه بدهد.
 - ۵- روزهای هفته را به زبان عربی به ترتیب از حفظ بگوید.
 - ۶- چهار فصل سال را به ترتیب از حفظ بگوید.
 - ۷- شش رنگ اصلی بر وزن افعال را به زبان عربی از حفظ بگوید.

تحلیل درس

از درس ۹ تا ۲۰ متن‌های زیبایی طراح شده است. این کار در دروس نخستین، امکان پذیر نبود و دلیل آن قبلاً ذکر شد؛ زیرا دانش‌آموز در آغاز راه است و هنوز اطلاعات چندانی ندارد. برای عربی سال دوم متوسطه کار تألیف آسان تر می‌شود؛ زیرا در سال دوم دانش‌آموز پیش زمینه‌های بسیاری دارد. کلمات بسیاری را در ذخیره‌واژگانی خود از حفظ دارد و با ساختارهای بسیاری آشنا شده است.

هدف آموزشی درس ۱۶ آن است که دانش‌آموز بتواند نام روزهای هفته را به زبان عربی و به ترتیب از حفظ بگوید.

يَوْمُ السَّبْتِ، الْأَحَدِ، الْاِثْنَيْنِ، الْاَلْثَلَاثاءِ، الْاَرْبَعاءِ، الْخَمِيسِ، الْجُمُعَة.
همچنین نام چهار فصل سال را مانند روزهای هفته از حفظ بگوید: الرَّبِيعُ وَ الصَّيْفُ وَ الْحَرِيفُ وَ الشَّتَاءُ.

در پایان شش رنگ اصلی بر وزن أَفْعَل را از بر کند: الْأَسْوَدُ وَ الْأَبْيَضُ وَ الْأَحْمَرُ وَ الْأَخْضَرُ وَ الْأَزْرَقُ وَ الْأَصْفَرُ.

روان خوانی مانند همیشه از اهداف اصلی تمامی دروس کتاب است و در اینجا بهتر از جاهای دیگر کتاب خودنمایی می‌کند.

بدانیم

رنگ‌های «أَسْوَد، أَحْمَر، أَرْزَق، أَخْضَر، أَبْيَض و أَصْفَر» مذکرند و شکل مؤنث آنها چنین است: سَوْدَاء، حَمْرَاء، زَرْقَاء، خَضْرَاء، بَيْضَاء و صَفْرَاء.

دانستن دلیل این تغییر در کتاب عربی سال اول ضرورت ندارد. هیچ نیازی نیست او بداند کلمات بر وزن فَعْلَاء مؤنث هستند. همین که بداند گاهی أَسْوَد به صورت سَوْدَاء درمی‌آید کافی است.

التَّمارِينُ

تمرین اول : در جای خالی گزینه مناسب بنویسید.

- | | |
|--|--|
| ۱- الْيَوْمُ، يَوْمُ السَّبْتِ وَغَدًا يَوْمٌ | الْأَحَدِ <input checked="" type="checkbox"/> الْاِثْنَيْنِ <input type="checkbox"/> |
| ۲- أَمْسٍ، كَانَ يَوْمَ الثَّلَاثَاءِ . الْيَوْمُ يَوْمٌ | الْحَمِيسِ <input type="checkbox"/> الْأَرْبَعَاءِ <input checked="" type="checkbox"/> |
| ۳- أَوَّلُ الْفُصُولِ، فَصْلٌ | الرَّبِيعِ <input checked="" type="checkbox"/> الْخَرِيفِ <input type="checkbox"/> |
| ۴- الشِّتَاءُ، فَصْلٌ | حَارٌّ <input type="checkbox"/> بَارِدٌ <input checked="" type="checkbox"/> |

هدف آموزشی این تمرین آشنایی با نام روزها و فصل‌ها در قالب جملاتی جدید است.

تمرین دوم : هدف این تمرین مرور بر نام رنگ‌ها و ذکر حدیثی از حضرت علی عليه السلام است که کلمات الیوم و غداً در آن به کار رفته است. کلمات الیوم غداً، أمس و نام روزهای هفته واژه‌های کلیدی این تمرین هستند.

آنجا که به ضرورت توقف به هنگام مشاهده چراغ قرمز اشاره و نشانه عقل برشمرده شده به احترام قوانین راهنمایی و رانندگی در تمرین طُرَاحی شده است.

تمرین سوم : اهمیت متضاد و مترادف در آموزش زبان بر کسی پوشیده نیست. مانند موارد مشابه باز هم این تمرین ساده طُرَاحی شده است تا اصل تسهیل در آموزش و ارزشیابی اجرا گردد. انتظار می‌رود معلمان عربی در طُرَاحی سؤالات امتحانی شیوه‌های مشابه کتاب را پیاده کنند.

تمرین چهارم : این تمرین از بهترین تمرینات کتاب در بخش آموزش و ارزشیابی فعل ماضی هستند. امتیاز این تمرین این است که هم آسان است؛ زیرا الگو و مثال دارد و هم در یادگیری مؤثر است. این شیوه تمرین را در امتحانات نیز می‌توان آورد.

دانش افزایی برای دبیر (نه برای دانش آموز)

با نام دیگر رنگ‌ها آشنا شوید :

بَتَفْسَحِيّ : بنفش، كُحْلِيّ : سُرْمه‌ای، بَتِّيّ : قهوه‌ای، وَرْدِيّ : صورتی، رَمَادِيّ : خاکستری، رَصَاصِيّ : نوک مدادی، أَحْمَر غَامِق : زرشکی، لَازَوْرْدِيّ : لاجوردی، اُرْجَوَانِيّ : ارغوانی، لَوْن قَاتِم یا لَوْن غَامِق : رنگ تیره، لَوْن فَاتِح : رنگ روشن، حُمَصِيّ : کرم (نخودی)

الدَّرْسُ السَّابِعَ عَشَرَ

اهداف کلی

- ۱- آموختن ۱۹ کلمه جدید؛
- ۲- روان خوانی یک متن به زبان عربی؛
- ۳- دوره‌ای بر آموخته‌های پیشین.

اهداف رفتاری

- دانش آموز در پایان این درس باید بتواند :
- ۱- ۱۹ کلمه جدید این درس را از عربی به فارسی معنا کند؛
 - ۲- یک متن عربی را درست بخواند و به فارسی ترجمه کند؛
 - ۳- کاربرد حدیث «زینَةُ الْبَاطِنِ خَيْرٌ مِنْ زِينَةِ الظَّاهِرِ.» را در زندگی تشخیص دهد و به این حدیث در جایگاه مناسب استشهاد کند؛
 - ۴- پیام آموزشی درس را بفهمد و بازگو کند.

تحلیل درس

داستان «زينة الباطن» با الهام از حدیث حضرت علی (علیه السلام) در س ارزشمندی را به دانش آموز می دهد. داستان تخیلی «سنگ ماهی مهربان» در زندگی روزمره ما بارها اتفاق می افتد. پیام درس ارزش بالایی دارد. علاوه بر اینکه دانش آموز متنی را می خواند یک درس زندگی نیز می آموزد که زینت باطن از زینت ظاهر بهتر است. چه بسا افرادی که ظاهر و باطنشان فرق دارد. گزینش متن بر اساس نظر خواهی از دانش آموزان و سرگروه های آموزشی صورت گرفته است. متن داستان از نظر بسیاری از کارشناسان، متنی مناسب تشخیص داده شد.

زینة الباطن (زینت باطن، آرایش درون)

كَانَتْ فِي بَحْرٍ كَبِيرٍ سَمَكَةٌ قَبِيحَةٌ إِسْمُهَا السَّمَكَةُ الْحَجَرِيَّةُ. در دریایی بزرگ ماهی زشتی وجود داشت. (بود) که اسمش سنگ ماهی بود.

وَالْأَسْمَاكُ خَائِفَاتٌ مِنْهَا. هِيَ كَانَتْ وَحِيدَةً دَائِمًا. و ماهی ها از او می ترسیدند. (ترسان بودند). او همیشه تنها بود.

فِي يَوْمٍ مِنَ الْأَيَّامِ، خَمْسَةٌ مِنَ الصَّيَّادِينَ جَاءُوا وَقَذَفُوا شَبَكَةً كَبِيرَةً فِي الْبَحْرِ.

در روزی از روزها پنج تن از ماهیگیرها (صیادها) آمدند و تور بزرگی را در دریا انداختند.

وَقَعَتِ الْأَسْمَاكُ فِي الشَّبَكَةِ. ماهی ها در تور افتادند.

مَا جَاءَ أَحَدٌ لِلْمُسَاعَدَةِ. کسی برای کمک نیامد.

السَّمَكَةُ الْحَجَرِيَّةُ سَمِعَتْ أَصْوَاتَ الْأَسْمَاكِ. سنگ ماهی صداهای ماهیان را شنید.

فَنَظَرَتْ إِلَى الشَّبَكَةِ وَ حَزِنَتْ وَ ذَهَبَتْ لِنَجَاةِ الْأَسْمَاكِ. قَطَعَتِ الشَّبَكَةَ بِسُرْعَةٍ وَ الْأَسْمَاكُ خَرَجَتْ وَ هَرَبْنَ جَمِيعًا.

پس (و) به تور نگاه کرد و غمگین شد و برای نجات (رهایی) ماهی ها رفت. به سرعت تور را

برید. (قطع کرد) و ماهی ها خارج شدند و همه فرار کردند.

فَوَقَعَتِ السَّمَكَةُ الْحَجَرِيَّةُ فِي الشَّبَكَةِ وَ الصَّيَّادُونَ أَخَذُوهَا. كَانَتْ الْأَسْمَاكُ حَزِينَاتٍ؛ لِأَنَّ السَّمَكَةَ الْحَجَرِيَّةَ وَقَعَتْ فِي الشَّبَكَةِ لِنَجَاتِهِنَّ.

پس (و) سنگ ماهی در تور افتاد و صیادها (ماهیگیرها) او را گرفتند. ماهی ها ناراحت (غمگین)

بودند؛ زیرا سنگ ماهی برای نجات آنها در تور افتاد.

الْأَسْمَاكُ نَظَرْنَ إِلَى سَفِينَةِ الصَّيَّادِينَ. هُمْ أَخَذُوهَا وَلَكِنَّهُمْ قَذَفُوهَا فِي الْمَاءِ؛ لِأَنَّهَا كَانَتْ قَبِيحَةً

جِدًّا فَخَافُوا مِنْهَا. الْأَسْمَاكُ فَرِحْنَ لِنَجَاتِهَا وَ نَظَرْنَ إِلَيْهَا بِإِتْسَامٍ وَ عَلِمْنَ أَنَّ جَمَالَ الْبَاطِنِ أَفْضَلُ مِنْ

جَمَالِ الظَّاهِرِ.

ماهی‌ها به کشتی صیادها (ماهیگیرها) نگاه کردند. آنها او را گرفتند، ولی در آب انداختند؛ زیرا خیلی زشت بود و از او ترسیدند. ماهی‌ها برای نجات او خوشحال شدند و دانستند (پی بردند) که زیبایی درون (باطن) برتر (بهتر) از زیبایی آشکار (ظاهر) است.

قَالَ عَلِيٌّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) : «زِينَةُ الْبَاطِنِ، خَيْرٌ مِنْ زِينَةِ الظَّاهِرِ.»

حضرت علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) گفت (فرموده) : زینت باطن بهتر از زینت ظاهر است. (زینت درون بهتر از زینت آشکار است.)

در پایان می‌توان پیام درس را از دانش‌آموزان پرسید و از آنان خواست که اگر بیت یا ضرب المثلی در بارهٔ پیام درس به یاد دارند بگویند و یا تحقیق کنند و برای جلسهٔ بعد بیاورند.



تمرین اول : با توجه به متن درس جمله‌های درست و نادرست را معلوم کنید.

- ۱- كَانَتِ السَّمَكَةُ الْحَجَرِيَّةُ وَحِيدَةً. ☒ درست ☐ نادرست
- ۲- السَّمَكَةُ الْحَجَرِيَّةُ ذَهَبَتْ لِنَجَاةِ الْأَسْمَاكِ. ☒ درست ☐ نادرست
- ۳- كَانَتِ السَّمَكَةُ الْحَجَرِيَّةُ صَغِيرَةً وَجَمِيلَةً. ☐ درست ☒ نادرست
- ۴- الصَّيَادُونَ مَا خَافُوا مِنَ السَّمَكَةِ الْحَجَرِيَّةِ. ☐ درست ☒ نادرست

تمرین دوم : تقویت قدرت درک مطلب دانش‌آموز است. یک هدف مهم کتاب درسی چنین تمریناتی است و در سال‌های آینده سؤال‌های درک مطلب به همین شیوه طرّاحی می‌گردند. هدف این تمرین تقویت مهارت دانش‌آموز در متن خوانی و پاسخ به پرسش‌هاست. معلمان گرامی به پاسخ کوتاه بسنده کنند و در ارزشیابی‌های شفاهی و کتبی نیز به همین منوال عمل کنند.

تمرین سوم : هدف آموزشی تقویت آموخته‌های دانش‌آموز در شناخت فعل ماضی است.

تمرین چهارم : هدف تقویت روحیهٔ پژوهش در دانش‌آموز است. معلّم می‌تواند بنابر تشخیص خود این کار را به صورت فردی یا گروهی از دانش‌آموزان درخواست کند.

دانش‌افزایی برای دبیر (نه برای دانش‌آموز)

- ۱- أَحَد : چند معنا دارد. یک، یکتا، یکی از، بی مانند.
جمع آن آحاد است. اصل آن وَحَد بوده است که واو به همزه بدل شده است.
گاهی بر مؤنث نیز دلالت دارد. ﴿لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ﴾ خطاب به زنان پیامبر اسلام ﷺ مانند کسی از زنان نیستید.
- مؤنث آن إِحْدَى است. إِحْدَى وَ عِشْرُونَ. إِحْدَى عَشْرَةَ
- ۲- سَمَك : اسم جنس و به معنای ماهی و واحد آن سَمَكَة است. جمع سَمَك أَسْمَاك است و جمع سَمَكَة سَمَكَات. جمع سَمَك به صورت سِمْكَ و سُمُوك نیز درست است. اَمَّا أَسْمَاك معروف‌تر و رایج است.
- ۳- حرف نفی «ما» بر سر مضارع نیز می‌آید؛ مانند این آیات قرآن :
﴿وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ﴾ نجم : ۳ ﴿وَمَا عَلَّمْنَاهُ الشِّعْرَ وَمَا يَنْبَغِي لَهُ﴾ یس : ۶۹
﴿وَمَا تُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَ مُنْذِرِينَ﴾ انعام : ۴۸
- ۴- حرف «ف» چند معنا دارد :
حرف عطف است برای ترتیب متصل : ﴿خَلَقَكَ فَسَوَّاكَ فَعَدَلَكَ﴾ تو را آفرید و راست و بی عیب کرد.
- ترتیب ذکر است. ﴿وَنَادَىٰ نُوحٌ رَبَّهُ فَقَالَ رَبِّ إِنَّ ابْنِي مِنْ أَهْلِي﴾
و نوح پروردگارش را ندا داد و گفت : پروردگارا پسر من از خانواده من است.

الدَّرْسُ الثَّامِنَ عَشَرَ

اهداف کلی

- ۱- آموختن ۱۹ کلمه جدید؛
- ۲- روان خوانی یک متن به زبان عربی؛

اهداف رفتاری

- ۱- دانش آموز در پایان این درس باید بتواند :
- ۱۹- کلمه جدید این درس را از عربی به فارسی معنا کند.
- ۲- یک متن عربی را درست بخواند و به فارسی ترجمه کند.
- ۳- فعل های ماضی را به زبان فارسی ترجمه کند.
- ۴- کاربرد حدیث «رَجِمَ اللَّهُ امْرَأً عَمِلَ عَمَلًا فَأَتَقَنَهُ!» را در زندگی تشخیص دهد و به این حدیث در جایگاه مناسب استشهاد کند.
- ۵- پیام آموزشی درس را بفهمد و بازگو کند.

تحلیل درس

داستان «الإخلاص في العمل» با الهام از حدیث رسول الله (ﷺ) پیام ارزشمندی را به دانش آموز انتقال می دهد.

كَانَ نَجَّارٌ وَ صَاحِبُ مَصْنَعٍ صَدِيقَيْنِ. نَجَّارِی و صاحب کارخانه ای با هم دوست بودند.
فِي يَوْمٍ مِنَ الْأَيَّامِ قَالَ النَّجَّارُ لِصَاحِبِ الْمَصْنَعِ : در روزی از روزها، نَجَّار به صاحب کارخانه گفت :

«أَنَا بِحَاجَةٍ إِلَى التَّقَاعُدِ.» من نیاز به بازنشستگی دارم.
أَجَابَ صَاحِبُ الْمَصْنَعِ : «وَلَكِنَّكَ مَاهِرٌ فِي عَمَلِكَ وَ نَحْنُ بِحَاجَةٍ إِلَيْكَ يَا صَدِيقِي.»
صاحب کارخانه جواب داد : ولی تو در کارت ماهر هستی و ما به تو احتیاج داریم ای دوست من.

النَّجَّارُ مَاقَبِلَ. لَمَّا رَأَى صَاحِبُ الْمَصْنَعِ إِصْرَارَهُ؛ قَبِلَ وَ طَلَبَ مِنْهُ صُنْعَ بَيْتٍ خَشَبِيٍّ كَأَخْرِ عَمَلِهِ فِي الْمَصْنَعِ.

نَجَّار قبول نکرد. وقتی که صاحب کارخانه اصرارش (پافشاری اش) را دید قبول کرد. (پذیرفت)
و از او خواست به عنوان آخرین کارش در کارخانه خانه ای چوبی بسازد.
ذَهَبَ النَّجَّارُ إِلَى السُّوقِ لِشِرَاءِ الْوَسَائِلِ لِصُنْعِ الْبَيْتِ الْخَشَبِيِّ الْجَدِيدِ.
نَجَّار برای خریدن وسایل برای ساختن خانه چوبی جدید به بازار رفت.
هُوَ اشْتَرَى وَسَائِلَ رَخِيصَةً وَ غَيْرَ مُنَاسِبَةٍ. او وسایل ارزان و غیر مناسب خرید.
وَ بَدَأَ بِالْعَمَلِ لَكِنَّهُ مَا كَانَ مُجِدِّدًا فِي الْعَمَلِ. ما كَانَتْ أَحْشَابُ الْبَيْتِ مَرْغُوبَةً.
و شروع به کار کرد، ولی در کار کوشا (جدی) نبود. چوب های خانه مرغوب نبود.
بَعْدَ شَهْرَيْنِ ذَهَبَ عِنْدَ صَدِيقِهِ وَ قَالَ لَهُ : «هَذَا آخِرُ عَمَلِي.»

بعد از دو ماه نزد دوستش رفت و به او گفت : «این آخرین کار من است.»
جاءَ صَاحِبُ الْمَصْنَعِ وَ أَعْطَاهُ مِفْتَاحاً ذَهَبِيّاً وَ قَالَ لَهُ : «هَذَا مِفْتَاحُ بَيْتِكَ. هَذَا الْبَيْتُ هَدِيَّةٌ لَكَ؛ لِأَنَّكَ عَمِلْتَ عِنْدِي سَنَوَاتٍ كَثِيرَةً.» صاحب کارخانه آمد و کلیدی طلایی به او داد و به وی گفت : این خانه توست. این خانه هدیه ای به تو است؛ زیرا تو سال های بسیاری نزد من کار کردی.
نَدِمَ النَّجَّارُ مِنْ عَمَلِهِ وَ قَالَ فِي نَفْسِهِ : «يَا لَيْتَنِي صَنَعْتُ هَذَا الْبَيْتَ جَيِّدًا!»

نَجَّار از کارش پشیمان شد و با خودش گفت : ای کاش این خانه را خوب می ساختم. (خوب ساخته بودم)



«رَحِمَ اللَّهُ أَمْرًا عَمِلَ عَمَلًا فَأَتَقَنَهُ!»

خدا انسانی را رحمت کند که کاری را انجام دهد(داد) و آن را درست و محکم انجام دهد.

(داد)

در این درس نیز بخش «بدانیم» و «فَنَ ترجمه» وجود ندارد؛ زیرا نزدیک پایان کتاب است و قصد مؤلفان این است که در هفته‌های پایانی سال مبحث جدیدی تدریس نشود. هدف فقط متن خوانی و دورهٔ مباحث مهم کتاب است.

الْتَّمَارِینُ

تمرین اوّل : با توجه به متن درس جمله‌های درست و نادرست را معلوم کنید.

- ۱- قَبِلَ صَاحِبُ الْمَصْنَعِ تَقَاعْدَ التَّجَارِ لِأَنَّهُ كَانَ ضَعِيفًا. درست ☐ نادرست ☒
- ۲- كَانَ التَّجَارُ مُجِدًّا فِي صُنْعِ الْبَيْتِ الْخَشْبِيِّ. درست ☐ نادرست ☒
- ۳- كَانَ الْبَيْتُ الْخَشْبِيُّ هَدِيَّةً لِلتَّجَارِ. درست ☒ نادرست ☐
- ۴- كَانَ التَّجَارُ مَاهِرًا. درست ☒ نادرست ☐
- ۵- مَا نَدِمَ التَّجَارُ مِنْ عَمَلِهِ. درست ☐ نادرست ☒

هدف آموزشی این تمرین، تقویت درک مطلب است.

تمرین دوم : کدام کلمات جمع مکسرند؟ (شش کلمه)

شَهْرَيْنِ - أَحْشَابِ - وَسَائِلِ - مِفْتَاحِ - إِخْوَةِ - بَسَاتِينِ - خَائِفَاتِ - صَيَادُونَ - حِجَارَةٌ - أَرْبَعَاءِ - ضُفُوفِ - تَقَاعِدُ

هدف آموزشی این تمرین یادآوری آموخته‌های پیشین در درس دوم و سوم است.

تمرین سوم : هدف آموزشی دورهٔ آموخته‌های پیشین دانش‌آموز دربارهٔ فعل ماضی است.

همچنین پرکاربردترین فعل‌های ماضی که تاکنون در کتاب آمده است یک بار دیگر دوره می‌شود.

دانش‌افزایی برای دبیر (نه برای دانش‌آموز)

۱- أَعْطَى (داد، بخشید) يُعْطِي، إِعْطَاء، فعل امر آن أَعْطِ است. إِعْطَاء، إِيتَاء، مَنَح و هِبَة مترادف هستند.

أَعْطَى در گویش‌های عامیانه و گاهی در فصیح به صورت أَنْطَى به کار می‌رود.
(أَنْطَيْنَاكَ أَعْطَيْنَاكَ)

۲- سَنَة و عام مترادف هستند. جمع سَنَة علاوه بر سَنَوَات به صورت سِنِين (سِنُون) نیز درست است.

۳- لَمَّا، عِنْدَمَا و حِينَما مترادف‌اند.

۴- «جَيِّدًا» به معنای «خوب» است. در گویش حجازی «کَوَيْس» معادل جَيِّدًا است.

۵- «رَأَى» و «شَاهَدَ» مترادف‌اند. در گویش حجازی «شَاف» به همین معناست. مضارع «رَأَى» می‌شود: «يَرَى».

۶- «لَيْسَ» به معنای «نیست» مضارع ندارد. در گویش حجازی «مو» معادل آن است.
لَيْسَ مَوْجُودًا. ← مو موجود.

الدَّرْسُ التَّاسِعَ عَشَرَ

اهداف کلی

- ۱- روان خوانی چند متن کوتاه به زبان عربی؛
- ۲- یادآوری پاره‌ای از واژه‌هایی که تاکنون دانش‌آموز آموخته است؛
- ۳- ایجاد علاقه‌مندی به زبان عربی با طرح ابتسامه و آوردن لبخند بر چهره دانش‌آموزان با قرائت یک متن مفّرح.

اهداف رفتاری

- دانش‌آموز در پایان این درس باید بتواند :
- ۱- متن درس را روان و صحیح بخواند.
 - ۲- به سؤالات درک و فهم از متن پاسخ دهد.
 - ۳- با استفاده از کلماتی که تاکنون یاد گرفته است؛ چند متن کوتاه عربی را به فارسی ترجمه کند.
 - ۴- با استفاده از مطالبی که تاکنون در دو بخش «بدانیم» و «فنّ ترجمه» خوانده است تمرینات دوره‌ای را حل کند.
 - ۵- به مکالمه عربی علاقه‌مند شود.

تحلیل درس

ابتسامات نه تنها برای نوجوانان بلکه برای بزرگسالان نیز جالب توجه است. از آنجا که این درس آخرین درس است؛ یک ابتسامه به مصداق (خَتَامُهُ مِسْكٌ) زینت بخش درس نوزدهم شده است. یکی از شیوه‌های آموزش زبان استفاده از داستان کوتاه است. در این میان لطیفه نقش مهمی دارد؛ زیرا به دلیل فکاهی بودن؛ خواننده کنجکاو می‌شود تا معنای جمله‌ها را بفهمد.

گروه عربی دفتر تألیف سعی می‌کند تا کتاب‌های مناسبی را به همین منظور از طریق انتشارات مدرسه چاپ کند و سعی دارد تا چنین کتاب‌هایی را جایگزین کتاب‌های تمرین قواعد کند. یکی از دشواری‌های کار تألیف در پایه اول این است که نمی‌توان از بسیاری از ساختارهای زبانی مانند فعل‌های امر، نهی، انواع ماضی (استمراری، بعید و ...)، مضارع و دیگر ساختارها استفاده کرد. از طرفی هدف مؤلفان این بود که واژگان کتاب از مرز ۴۰۰ نگذرد و چنین نیز شده است؛ لذا بسیاری از عبارات و متون آن‌طور که مطلوب بود نگاشته نشد. اصل این ابتسامه چنین است که پسر کوچک‌تر از پسر بزرگ‌تر سؤال‌هایی می‌پرسد و پسر بزرگ‌تر پاسخ را نمی‌داند؛ اما پاسخ‌هایی احتمالی می‌دهد که نادرست هستند؛ مادر که شاهد گفت و گوی میان دو پسرش است؛ پاسخ‌ها را اصلاح می‌کند.

الأخ الصَّغِيرُ : مَنْ هُوَ «حافظ»؟ الأخ الكَبِيرُ : هُوَ عَالِمٌ. الأم : لا؛ هُوَ شَاعِرٌ.
 پسر کوچک : «حافظ کیست؟» پسر بزرگ : او دانشمند است. مادر : نه؛ او شاعر است.
 : أَيْنَ مَدِينَتُهُ «دِرْ فَوَل»؟ : إِنَّهَا فِي بُوْشَهْر. : لا؛ إِنَّهَا فِي خَوْزِستَان.
 شهر دِرْ فَوَل کجاست؟ در بوشهر است. نه؛ در خوزستان است.
 : كَمْ عَدَدُ مَدْنِ إِيْرَانِ؟ : تَقْرِيْباً سَبْعُوْنَ مَدِينَةً. : لا؛ أَكْثَرُ مِنْ أَلْفِ مَدِينَةٍ.
 تعداد شهرهای ایران چند تاست؟ تقریباً هفتاد شهر. نه؛ بیشتر از هزار شهر است.
 : هَلِ السَّمَاءُ زَرْقَاءُ حَقِيْقَةً؟ : نَعَمْ. : لا؛ لَيْسَتْ زَرْقَاءُ فِي الْحَقِيْقَةِ.
 آیا آسمان به راستی آبی است؟ بله. نه؛ به راستی آبی نیست.
 : لِمَنْ هَذِهِ الصُّوْرَةُ؟ : هَذِهِ صُوْرَةُ فِرْدَوْسِي. : لا؛ هَذِهِ صُوْرَةُ الزَّازِي.
 این عکس کیست؟ این عکس فردوسی است. نه؛ این عکس رازی است.
 : مَاذَا فِي الْقَمَرِ؟ : فِيْهِ (؟)
 در ماه چه چیزی وجود دارد؟ در آن (؟)
 الأم قَطَعَتْ الْحَوَارِ بَيْنَ الْأَخْوَيْنِ وَ طَلَبَتْ السُّكُوْتَ مِنَ الْوَلَدِ الصَّغِيرِ.

مادر گفت و گوی بین دو برادر را قطع کرد و از پسر کوچک خواست که ساکت شود.
 {مادر می بیند که پسر بزرگ تر در مخمسه افتاده و برای نجات او از پسر کوچک تر درخواست می کند ساکت شود و به او می گوید: این قدر برادرت را با این سؤال های سخت اذیت نکن.}
 لَكِنَّ الْوَلَدَ الْكَبِيرَ قَالَ لَوَالِدَتِهِ : «عَفْوًا؛ يَا أُمِّي، عَلَيْهِ السُّؤَالُ وَعَلَيَّ الْجَوَابُ. لِأَنِّي مُعَلِّمُهُ»
 قَالَتْ الْوَالِدَةُ : « أَنْتَ مُعَلِّمٌ عَجِيبٌ. »

ولی پسر بزرگ {با تعجب} به مادرش گفت: «بیخشید؛ مادرم، او باید سؤال کند و من باید جواب دهم. چون من معلم او هستم.» مادر گفت: «تو معلم عجیبی هستی.»
 در اصل جمله باید چنین باشد: پسر به مادرش می گوید: نه مادر، او باید سؤال کند تا یاد بگیرد.
 «لا؛ یا اُمِّي دَعِيهِ يَسْأَلُ حَتَّى يَتَعَلَّمَ.» اما جمله مذکور فعل امر معتل مثال و مضارع مجزوم و منصوب دارد؛ لذا جمله بندی مناسب ساختاری که دانش آموز با آن آشناست؛ تغییر کرده است. به جاست که اگر دانش آموز یا دانش آموزانی متوجه موضوع ابهام نشدند؛ برای آنها به زبان ساده تر توضیح دهد.
 در این ابهامه تمرینی بر آموخته های پیشین دانش آموز در فصل دوم صورت گرفته است؛ زیرا در این متن چندین جمله پرسشی به کار رفته است.

بارها شاهد بوده ایم زیباترین لطیفه ها را شخصی بیان می کند؛ اما لبخندی بر لبان کسی ظاهر نمی شود؛ زیرا لطیفه گفتن زمان و مکان مناسب می خواهد و گوینده آن نیز باید در آن لحظه خندان باشد.
 دلیل انتخاب ابهامات در دو درس پایانی کتاب پیشنهاد دبیران بوده است. بسیاری از ابهاماتی که مؤلفان می خواستند در کتاب استفاده کنند؛ از نظر واژگانی یا ساختاری قابلیت طرح در کتاب نداشتند.

الْتَّمَارِينُ

تمرین اول: هدف تقویت مهارت ترجمه دانش آموز است.
 تمرین دوم و سوم: هدف تقویت مهارت شناخت واژگان است.
 تمرین چهارم: هدف تقویت آموخته های دانش آموز در نیمه دوم کتاب است.
 تمرین پنجم: هدف تقویت مهارت مکالمه در دانش آموز است.
 تمرین ششم: هدف تقویت آموخته های دانش آموز در کل کتاب است. درجه دشواری این تمرین بالاست؛ زیرا برای حل آن باید همه کتاب را آموخته باشد.

الدَّرْسُ الْعِشْرُونَ

اهداف کلی

- ۱- روان خوانی چند متن کوتاه به زبان عربی؛
- ۲- یادآوری پاره‌ای از واژه‌هایی که تاکنون دانش آموز آموخته است؛
- ۳- ایجاد علاقه به زبان عربی با طرح ابتسامات و آوردن لبخند بر چهره دانش آموزان با قرائت چند متن مفرح.

اهداف رفتاری

- دانش آموز در پایان این درس باید بتواند :
- ۱- متن را صحیح و روان بخواند.
 - ۲- به سؤالات درک و فهم از متن پاسخ دهد.
 - ۳- با استفاده از کلماتی که تاکنون یاد گرفته است؛ چند متن کوتاه عربی را به فارسی ترجمه کند.
 - ۴- با استفاده از مطالبی که تاکنون در دو بخش «بدانیم» و «فَنَ ترجمه» خوانده است؛ تمرینات دوره‌ای را حل کند.
 - ۵- به مکالمه عربی علاقه مند شود.

تحلیل درس

سه لطیفه ساده و کوتاه پایان بخش کتاب درسی است.

الأوّل: أَرَأَيْتَ تِلْكَ التَّمَلَّةَ فَوْقَ الْجَبَلِ؟ الثاني: لا؛ ما رَأَيْتُ. لَكِنِّي سَمِعْتُ صَوْتَ أَقْدَامِهَا.

اولی: آیا آن مورچه را بالای کوه دیدی؟ دومی: نه. ندیدم. ولی صدای پاهایش را شنیدم.

الوالدة: هَلْ غَسَلْتَ السَّمَكَةَ جَيِّدًا؟ الطِّفْلُ: لا؛ ما غَسَلْتُهَا.

لماذا ما غَسَلْتِهَا؟! لِأَنَّ السَّمَكَةَ فِي الْمَاءِ كُلَّ عُمْرِهَا.

مادر: آیا ماهی را خوب شستی؟ دختر کوچک: نه؛ نشستم.

چرا آن را نشستی؟ چون ماهی همه عمرش را در آب است.

(صحنه گفت و گو در آشپزخانه است.)

الطِّفْلُ: يا والدي، أَنَا رَأَيْتُ سَارِقًا فِي الثَّلْجَرِيُون. بابا، من دزدی را در تلویزیون دیدم.

الوالدُ: ماذا فَعَلْتَ يا وَلَدِي؟ چه کار کردی ای پسر؟

الطِّفْلُ: ضَرَبْتُهُ بِالْحَشَبِ. با چوب او را زدم.



- تمرین اول: هدف تقویت مهارت ترجمه دانش آموز است.
- تمرین دوم و سوم: هدف تقویت مهارت شناخت واژگان است.
- تمرین چهارم: هدف تقویت آموخته های دانش آموز در نیمه دوم کتاب است.
- تمرین پنجم: هدف تقویت مهارت مکالمه در دانش آموز است.

جدول خلاصه درس ۱۲ تا ۱۶

جدول خلاصه درس ۱۲ تا ۱۶ با نگاهی کوتاه به زبان عربی است. کل مطالبی که در فصل چهارم آموخته شده در یک جدول نمایش داده شده است. جدول به اندازه کافی رسا و گویا است. این جدول برای مطالعه دانش آموز است. هدف این نیست که مانند روش های کلیشه ای و سنتی حفظ شود. هدف این است که آنچه را دانش آموز تاکنون خوانده است یکجا ملاحظه کند.

انتظار می رود دبیران جدول را برای دانش آموز توضیح دهد؛ اما در ارزشیابی کتبی و شفاهی سوالاتی از آن طرح نشود.